



هشدار تلویحی نماینده اروپا به طالبان:

حکومت پیشین به سبب انحصار قدرت فروپاشید



هرچند مشارکت همه اقشار جامعه به ویژه نمایندگان سیاسی اقوام و زنان در تصمیم‌گیری‌های مرتبط به سرنوشت کشور، حق شهروندی و نیاز اساسی برای کسب مشروعیت یک حکومت شمرده می‌شود، اما طالبان تلاش دارند رژیم آنان بدون رعایت این حق مسلم شهروندان از سوی جامعه جهانی به رسمیت شناخته شود. نقض حقوق بشر، وضع محدودیت‌های دست‌وپاگیر بر شهروندان، محرومیت زنان از حقوق اساسی، قوم‌گرایی و...



دادخواه‌های زنان به پیش واز ۸ مارچ؛

از ستم طالبان به ستوه آمده‌ایم، جامعه جهانی وارد اقدام شود

افزایش قتل‌های مرموز در بامیان؛

در دو ماه پسین هفت غیرنظامی کشته شده‌اند

نیکلاسون: تعهد محکم طالبان برای بازگشایی مکاتب در سال جدید را دریافت نکرده‌ایم

۸ صبح، کابل: نماینده ویژه اتحادیه اروپا برای افغانستان گفته است که با وجود پرسش‌های واضح، تعهدی محکم در مورد این که مکاتب‌های دخترانه پس از آغاز سال جدید تعلیمی شروع می‌شود، دریافت نکرده است.

توماس نیکلاسون، نماینده ویژه اتحادیه اروپا برای افغانستان، روز یکشنبه، ۱۴ حوت، در یک نشست خبری در کابل گفته است که در دیدار با مقام‌های طالبان در مورد حقوق بشر به خصوص حقوق زنان و دختران، حق تعلیم، حق کار و حق مشارکت در امور اجتماعی و سیاسی بحث کرده است.

او افزوده است که ممنوعیت کار زنان در موسسه‌های داخلی و خارجی یک تخطی آشکار از حقوق زنان برای کار است که در تامین مخارج آنان و خانواده‌های‌شان اثر منفی می‌گذارد.

نام‌برده علاوه کرده است: «باز کردن مکاتبها و دانشگاهها به روی دختران و پسران یک امر انتخابی نیست، این برای آینده نسل بعدی و داشتن یک افغانستان بهتر ضرورت است.» نیکلاسون گفته است که این تقاضای تمام شهروندان افغانستان است.

گفتنی است که توماس نیکلاسون پنج روز قبل وارد افغانستان شده و در این مدت با مقام‌های طالبان در کابل و قندهار دیدارهایی داشته است.



طالبان از ۲۰ تا ۵۰ هزار افغانی از وکلای گذر در مزارشریف باج می‌گیرند



۸ صبح، بلخ: منابع محلی در ولایت بلخ می‌گویند که بیشتر آمران نواحی این شهر، از جمله ناحیه‌های ششم و هفتم، مهرهای وکیل‌های گذر را به بهانه تغییر آن از جمهوریت به امارت جمع‌آوری کرده‌اند و اکنون در بدل آن پول مطالبه می‌کنند.

امیرمحمد (نام مستعار)، یکی از وکلای گذر از ناحیه هفتم شهر مزارشریف روز یکشنبه، ۱۴ حوت، به روزنامه ۸ صبح می‌گوید که مشکل جمع‌آوری مهرهای وکلای گذر از ماه‌ها به این سو ادامه دارد.

او می‌گوید: «من یکی از همین وکلا هستم که ۱۱ ماه قبل آمر ناحیه مهر مرا خواست و گفت که تمامی مهرهای دوره جمهوریت جمع‌آوری و مهرهای جدید امارتی توزیع می‌گردد. در این مدت باربار به بهانه‌های مختلف از من پول مطالبه شد، اما من پول ندمم و به این دلیل حدود ۱۱ ماه مهر من در ناحیه ماند و سرانجام با تلاش زیاد و پادرمیانی متنفذین مهر خود را به دست آوردم.»

این وکیل گذر می‌افزاید که شاهد پرداخت پول از ۲۰ تا ۵۰ هزار افغانی از سوی شماری از وکلای گذر به آمران ناحیه‌های طالبان بوده است. منابع به روزنامه ۸ صبح می‌گویند که افراد طالبان در آمریت‌های نواحی شهر افراد مورد نظر خودشان را به‌عنوان وکیل گذر استخدام کرده‌اند و با باشندگان محل مشورت نمی‌کنند. در همین حال، گفته شده است که آن عده از وکلای گذر را که از سوی مردم انتخاب شده‌اند، سرگردان هستند و به بهانه‌های مختلف از آنان پول مطالبه می‌شود.

شماری از باشندگان شهر مزارشریف نیز می‌گویند که طالبان فیصله کرده‌اند تا هر وکیل گذر، ۵۰۰ خانواده را تحت پوشش داشته باشد، اما در بعضی موارد افراد خودشان از ۵۰ خانواده وکالت می‌کنند.

موضوع باج‌گیری توسط طالبان سخن تازه‌ای نیست. پیش از این نیز اعضای این گروه از شهروندان کشور به بهانه‌های مختلف باج‌گیری کرده‌اند.

خیال سیاسی و فهم وارونه آن در افغانستان

خیال یکی از مفاهیم کلیدی در فلسفه است. این مفهوم فلسفی در میان نحل‌های فکری با برداشت‌ها و تأویل‌های گوناگون مواجه است.



آغاز سال تحصیلی؛ طالبان از ورود دختران به دانشگاه‌ها چیزی نگفته‌اند



دزدان مسلح یک جوان را در کابل کشتند

۸ صبح، کاپیسا: منابع محلی در کاپیسا می‌گویند که دزدان مسلح یک باشنده این ولایت را در شهر کابل کشته‌اند. این رویداد صبح روز یکشنبه، ۱۴ حوت، در ساحه کوتل خیرخانه شهر کابل به وقوع پیوسته است.

به گفته منابع، این جوان احمد فرشید نام داشت و دزدان مسلح پس از کشتن او موترش را با خود برده‌اند.

منابع تصریح می‌کنند که طالبان جسد احمد فرشید را به شفاخانه انصاری انتقال داده‌اند. طالبان تا کنون در این مورد چیزی نگفته‌اند. پس از به قدرت رسیدن طالبان در افغانستان، دزدی‌های مسلحانه در ولایت‌های مختلف افزایش یافته است. بر بنیاد گزارش‌ها، بیشتر این دزدی‌ها با استفاده از نام و تجهیزات نظامی طالبان انجام می‌شود.



هویت ملی و نیاز به گفت‌وگوی همدلانه

با سیطره طالبان بر افغانستان شکاف‌های جدیدی در این کشور دهن باز کرده و منازعات بیشتری از آن سر برآورده است؛ از جمله مشاجره بر سر هویت ملی که در یک‌ونیم سال اخیر داغ‌تر از قبل شده است. هویت ملی بخشی از روند ملی‌گرایی یا ناسیونالیسم است که در اروپا و آمریکا از قرن ۱۸ آغاز شد، در قرن ۱۹ به اوج خود رسید، در قرن ۲۰ عوارض آن آشکار شد و در قرن ۲۱ در معرض نقدهای جدی قرار گرفت؛ به‌ویژه نسخه‌های افراطی آن که به ترویج تعصبات ملی و شکاف میان انسان‌ها می‌انجامد و گاهی به ورطه نفرت‌پرآکنی و نژادپرستی فرو می‌لغزد. اما هویت ملی همیشه همسان با ناسیونالیسم نیست، بلکه گاهی می‌تواند تنها بار سیاسی-حقوقی داشته باشد که به مفاد مندرج در پیمان صلح و استقامتی ارجاع می‌دهد. هدف از این پیمان به رسمیت شناختن مرزهای ملی به‌عنوان واحد سیاسی است که دارای حاکمیت ملی می‌باشد و برای شهروندان یک سرزمین بدون در نظر داشت زبان، نژاد، و هویت واحد سیاسی می‌آفریند.

ناسیونالیسم به‌مثابه گرایش سیاسی-اجتماعی از کشورهای غربی آغاز یافت و همگام با مفاهیمی مانند قرارداد اجتماعی، حقوق شهروندی و دموکراسی به بالیدن رسید، اما نسخه‌ای که در بسیاری از کشورهای شرقی ترویج شد، فاقد ابعاد یادشده بود و در نتیجه ملی‌گرایی نارسا و معیوبی را پایه نهاد که سبب تنش‌های درونی در این جوامع شد و به‌جای متحد ساختن مردم براساس یک هویت، آنان را گرفتار چندپارچه‌گی کرد. اکنون که افغانستان در یکی دیگر از دست‌اندازهای تاریخی خود گرفتار شده، بحث از چپستی هویت ملی و سازه‌های آن از نو مورد کنکاش قرار گرفته است. پرداختن به مبث هویت ملی مهم است، اما اگر با روحیه برتری‌جویی، انتقام‌جویی و اسارت در خصوص‌های گذشته همراه باشد، بر ژرفای شکاف‌ها خواهد افزود، کینه‌ها را چند برابر خواهد کرد، زمینه زدوخورد‌های خونین‌تری را فراهم خواهد آورد و راه را بر فاجعه‌های کلان‌تری خواهد گشود. اگر بخواهیم راهی به اجماع میان نیروهای سیاسی و اجتماعی و بستری استوار برای همگرایی ملی فراهم آوریم، باید گفت‌وگوها در این باب همدلانه باشد تا زمینه تفاهم و توافق را مساعد گرداند. در گفت‌وگوی همدلانه اصل بر درک طرف مقابل و فهم موضع او است، همراه با تلاش برای رفع سوءتفاهم، تا نقاط مشترک از نقاط محل اختلاف بازشناخته شود و آن‌گاه از نقاط مشترک نقطه عزمی ساخته شود برای ادامه گفت‌وگو تا رسیدن به توافق همه‌گانی که پایه قرارداد اجتماعی است.

نقاط مشترک می‌تواند درک این واقعیت باشد که همه طرف‌ها در حوادثی که رخ داده، آسیب دیده و قربانی داده‌اند و بخشی از این حوادث به دخالت عوامل خارجی ربط داشته است؛ از زمان بریتانیای کبیر و روسیه تزاری تا امروز و این‌که دوام وضعیت کنونی به زیان همه طرف‌ها است و این‌که رسیدن به زنده‌گی شهروندمحور و حاکمیت مبتنی بر اراده مردم تحولی است که سودش به همه خواهد رسید، بی‌هیچ استثنایی. با چنین نقطه عزمی می‌توان گفت‌وگو کرد که چارچوب هویت ملی چگونه باشد، مبنای رسیدن به اجماع چیست، چگونه می‌توان صفحه کاملاً جدیدی در تاریخ این مرز و بوم گشود و به نزاعی درازدامن نقطه پایان گذاشت. باید گفت‌وگوی همدلانه را تمرین کنیم و به ترویج و نهادینه شدن آن همت بگذاریم و نگذاریم میدان به ماجراجویان، فرصت‌طلبان، آتش‌افروزان و خصوصت‌برپاکنان وا نهاده شود.

حقتی: لطف خداوند است که قندهار را سرآغاز «رهبری اسلامی» کرد



۸صبح، کابل: سرپرست وزارت امور داخله طالبان گفته است، این یکی از الطاف خداوند است که قندهار را سرآغاز «رهبری اسلامی و خانه وحدت و اتحاد مسلمانان» کرده است.

سراج‌الدین حقانی، سرپرست وزارت امور داخله طالبان، روز یکشنبه، ۱۴ حوت، این سخنان را در مراسم فراغت ۳۸۰ طالب از «مرکز آموزشی اسلامی و ملی پولیس» در قندهار بیان کرده است.

او افزوده است: «قندهار در برابر امپراتوری‌های یاقی، قهرمانانی مانند احمدشاه بابا، میرویس خان نیکه، امیرالمومنین ملا محمدعمر مجاهد، امیرالمومنین ملا اخترمحمد منصور و عالی‌قدر امیرالمومنین شیخ صاحب را پیدا کرد و این یکی از الطاف خداوند (ج) است که قندهار را سرآغاز

رهبری اسلامی و خانه وحدت و اتحاد مسلمانان کرد.»

نام‌برده از جنگ‌جویان طالب خواسته که اعتماد مردم را به دست بیاورند.

حقانی خاطر نشان کرده است: «اگر میان پولیس و مردم باور و همکاری وجود داشته باشد، جایی برای مجرم پیدا نخواهد شد.»

سخنان سراج‌الدین حقانی، رهبر شبکه حقانی، در حالی بیان می‌شود که او خود یکی از افراد تحت تعقیب پولیس فدرال امریکا (اف‌بی‌آی) است و برای اطلاعاتی که منجر به یافتن او شود، ۱۰ میلیون دالر جایزه تعیین شده است.

شبکه حقانی مسوول مرگ‌بارترین حمله‌های انتحاری در نقاط مختلف کشور بوده است.

مکتب انتقادی کابل ۸مارچ را تسلیت گفت

این وضعیت محدود به این دو جغرافیا نخواهد ماند. در اعلامیه خطاب به زنان پاکستان نیز گفته شده که خاموشی و هم‌صدایی آنان با سیاست‌های جاری در این کشور که در برابر جنایت‌های طالبان در افغانستان صورت

می‌گیرد، سبب خواهد شد تا میلیون‌ها دختر پاکستانی به سرنوشت ملاله یوسف‌زی گرفتار شوند. بر بنیاد اعلامیه، ۸مارچ تجلیل از موفقیت زنان در سهم‌گیری اجتماعی نیست، بلکه زهر تلخ به ساختارهای بین‌المللی است که حق انسان و مخصوصاً حق زن را زیر پا کرده است.

مکتب انتقادی کابل با یادآوری از اعتراف رینا امیری گفته است که این اعتراف بیانگر ارزش‌زایی جو بایدن، رئیس‌جمهور امریکا، از ارزش‌های جهان امروز است.

این مکتب انتقادی تاکید کرده که به تنهایی برای حقوق زنان جهان مبارزه می‌کند و زنان افغانستان را قربانی مصلحت‌های سیاسی می‌داند.

امسال در حالی از ۸مارچ، روز جهانی همبستگی زنان، تجلیل می‌شود که زنان افغانستان در بی‌پیشینه‌ترین محدودیت‌ها از جمله ممنوعیت‌های آموزشی، تحصیلی و کاری، به سر می‌برند.



۸صبح، کابل: مکتب انتقادی کابل با نشر اعلامیه‌ای به مناسبت ۸مارچ، روز جهانی همبستگی زنان جهان را به سازمان ملل متحد، نهادهای مربوط به این سازمان و دیده‌بان حقوق بشر تسلیت گفته است.

این اعلامیه که روز یکشنبه، ۱۴ حوت نشر شده است، در آن آمده که به دلیل درد بی‌پایان جاری زنان در افغانستان و ایران و گوش‌های آلوده به سیاست و کرشده از تعاملات سیاسی و ترجیح سیاست نسبت به ارزش‌های جهانی، ۸مارچ را به جای تجلیل باید به خاک سپرد.

مکتب زنان انتقادی کابل با توجه به محدودیت‌های اعمال شده بر زنان افغانستان و ایران هشدار داده که

حملات توپ‌خانه‌ای مرزبانان ایرانی در نیمروز؛

یک طالب زخمی و یک خانه مسکونی تخریب شد



۸صبح، نیمروز: به دنبال درگیری مرزی میان نیروهای طالبان و مرزبانان ایرانی، منابع از زخمی شدن یک طالب و تخریب شدن یک خانه مسکونی خبر می‌دهند.

منابع روز یکشنبه، ۱۴ حوت، در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گویند که مرزبانان ایرانی با حمله‌های توپ‌خانه‌ای، طالبان و خانه‌های مسکونی در شهر زرنج را هدف قرار داده‌اند.

به گفته منابع، این درگیری اکنون پایان یافته است. گفته می‌شود به دنبال این حمله‌ها، یک خانه مسکونی در ناحیه اول شهر زرنج تخریب شده و یک طالب به‌گونه شدید زخمی شده است.

جنبش زنان عدالت‌خواه افغانستان: جامعه جهانی باید دست از تعامل با طالبان بردارد

۸صبح، کابل: جنبش زنان عدالت‌خواه افغانستان به مناسبت ۸ مارچ، روز جهانی همبستگی زنان، از جامعه جهانی خواسته است که دست از تعامل با طالبان بردارد و وارد کار عملی‌تری شود.

جنبش زنان عدالت‌خواه افغانستان روز یکشنبه، ۱۴ حوت، با راه‌اندازی یک حرکت اعتراضی و صدور قطع‌نامه، از تمام کشورهای جهان و کشورهایی که به زنان و حقوق آنان احترام قابل‌اند و معاهدات بین‌المللی را برای عدم نقض حقوق زنان امضا کرده‌اند، خواسته است که تا زمانی تغییر روش‌های افراطی و زن‌ستیزانه طالبان، این گروه را به رسمیت نشناسند و وارد هیچ‌گونه تعامل سیاسی با آن نشوند.

در قطع‌نامه آمده است: «از اتحادیه اروپا و ایالات متحده امریکا و در کل جهان غرب خواهانیم که دست از هر گونه همکاری‌های آشکار و پنهان با این گروه بردارد و تحریم‌های بیشتر علیه این گروه را وضع نماید.»

این جنبش همچنان از کشورهای جهان خواسته است که به منظور برآورده شدن مسایل سیاسی و اقتصادی، زنان افغان را معامله نکنند.

امسال از روز جهانی همبستگی زنان در حالی در جهان تجلیل خواهد شد که با تسلط طالبان بر افغانستان، دختران و زنان افغان با محدودیت‌های گسترده‌ای مواجه شده‌اند. دختران و زنان از آموزش در مکتب و دانشگاه و کار کردن در موسسه‌های داخلی خارجی منع شده‌اند.



یک مکتب در هرات با هزینه سازمان ملل افتتاح شد

۸صبح، هرات: مسوولان محلی در ریاست معارف طالبان در ولایت هرات می‌گویند که یک باب مکتب در این ولایت افتتاح و سنگ تهداب یک باب مکتب دیگر گذاشته شده است. این مسوولان روز یکشنبه، ۱۴ حوت، می‌گویند که یک باب مکتب به هزینه ۲۶۳ هزار دالر امریکایی در منطقه شهرک رضای ولایت هرات افتتاح شد.

به گفته مسوولان، همزمان سنگ تهداب یک باب مکتب دیگر به مساحت سه هزار مترمربع در قریه صحرای بلند ولسوالی انجیل هرات گذاشته شده است.

در مراسم تهداب‌گذاری این مکتب گفته شده که قرار است کار آن طی شش ماه تکمیل و با تمام معیارها به بهره‌برداری سپرده شود.

هزینه ساخت این دو باب مکتب توسط موسسه اهدا و کمک مالی کمیساری‌های سازمان ملل متحد در امور پناهنده‌گان (UNHCR) پرداخت شده است.

این در حالی است که با روی‌کار آمدن طالبان در افغانستان، این گروه دروازه مکاتب را به روی دختران بالاتر از صنف ششم مسدود کرده‌اند.

نزدیک به ۱۶ روز به آغاز سال جدید تعلیمی باقی مانده است و طالبان تاکنون در مورد بازگشایی مکاتب دخترانه چیزی نگفته‌اند.

دادخواهی زنان به پیش واز ۸ مارچ؛

از ستم طالبان به ستوه آمده ایم، جامعه جهانی وارد اقدام شود

از دواج‌های اجباری و ازدواج کودکان شده است.» در این گزارش همچنان آمده است: «تعداد گزارش‌هایی که با افسرده‌گی و خودکشی پیوند دارند، به‌ویژه در میان دختران نوجوان که از ادامه تحصیل منع شده‌اند، زیاد است. به وضاحت دیده می‌شود که رژیم طالبان بالای صحت روانی جامعه پیامدهای جدی دارد، به‌ویژه بالای زنان و کودکان.»

از این پیش، نماینده اتحادیه اروپا برای افغانستان و مقام‌های بلندپایه کشورهای اروپایی، امریکایی و آسیایی به شمول همسایه‌های افغانستان از وضعیت رقت‌بار زنان زیر حاکمیت طالبان انتقاد کرده‌اند. با وجود خواست‌های مکرر زنان و نماینده‌گان کشورها، طالبان درب مکاتب را به روی دختران باز نکرده‌اند و هیچ تمکینی به مطالبه‌های جامعه جهانی ندارند.

این معترضان زن در حالی در مکان‌های سرپسته تجمع و علیه طالبان شعار می‌دهند که این گروه به آزادی بیان و اعتراض‌های مدنی احترام قابل نیست. جنگ‌جویان طالبان بارها اعتراض‌های مسالمت‌آمیز زنان درباره گشایش مکاتب دخترانه، حق کار و آزادی‌های فردی را سرکوب کرده‌اند. در این میان شماری از زنان در اعتراض‌های کابل بازداشت و شکنجه شده‌اند. همچنان دانشجویان معترض در هرات برای ساعاتی زندانی و به ضمانت اعضای خانواده از قید طالبان آزاد شدند.

به اتحادیه اروپا و ایالات متحده امریکا می‌گویند، تا زمانی که طالبان روش افراطی و زن‌ستیزانه خود را تغییر ندهند، از تعامل با این گروه دست بردارند. این معترضان زن خواهان توقف همکاری‌های آشکار و پنهان جهان به‌ویژه اتحادیه اروپا و امریکا هستند و تأکید می‌ورزند که جامعه جهانی نباید طالبان را به رسمیت بشناسد.

این همه در حالی است که طالبان با تسلط بر کشور، محدودیت‌های سخت‌گیرانه‌ای بر زنان در افغانستان وضع کرده‌اند. بستن مکاتب متوسطه و لیسه دخترانه، تعلیق کار زنان در موسسه‌های داخلی و خارجی، رفتن به پارک‌های تفریحی، حمام‌های عمومی، در برخی از ولایت‌ها رفتن به آرایشگاه‌های زنانه و سفر بدون محرم از محدودیت‌هایی است که در بیش از یک‌سال‌ونیم گذشته زنان را ستوه آورده است.

ریچارد بنت، گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد، نیز در گزارش تازه‌اش پیامدهای منفی زن‌ستیزی طالبان را برجسته ساخته است. در این گزارش از افزایش ازدواج دختران زیر زن و ابتلای آنان به بیماری‌های روانی تذکر رفته است. در قسمتی از این گزارش آمده است: «محدودیت‌های اعمال شده در برابر زنان و دختران، توأم با بحران اقتصادی و بشری که منتج به متوسل شدن به مکانیسم‌های منفی از جمله



معترضان زن سکوت جامعه جهانی در برابر سخت‌گیری‌های طالبان را مهر تأییدی بر سرکوب زنان توصیف می‌کنند که از دید آنان خلاف موازین حقوق بشری است.

۸ صبح، کابل

معترضان زن سکوت جامعه جهانی در برابر سخت‌گیری‌های طالبان را مهر تأییدی بر سرکوب زنان توصیف می‌کنند که از دید آنان خلاف موازین حقوق بشری است. آنان همچنان هشدار می‌دهند: «وضعیت امروز در افغانستان نه تنها برای مردم افغانستان، بلکه برای منطقه و برای جهان نیز عواقب خطرناکی خواهد داشت.»

در قطع‌نامه این معترضان آمده است: «ما زنان معترض و مبارز افغانستان از وضعیت موجود و ظلم و ستم حاکم در افغانستان به ستوه آمده‌ایم و از جامعه جهانی خواهان یک اقدام فوری و جدی در برابر این نقض علنی حقوق بشر و این جنایات آشکار که طالبان بر زنان افغانستان روا می‌دارند، هستیم.» در این قطع‌نامه همچنان تأکید شده است: «هشتم مارچ در حالی در تمام جهان تجلیل می‌گردد که زنان افغانستان بیش از ۱۹ ماه است تحت حاکمیت یک گروه تروریستی به نام طالب از همه حق و حقوق انسانی، شهروندی و مدنی‌شان محروم شده‌اند و کاملاً به حاشیه رانده شده‌اند.»

در کنار این، گروه دیگری از زنان زیر نام «جنبش زنان عدالت‌خواه» در یک گردهمایی جداگانه از جامعه جهانی خواسته است که تحریم‌های بیشتری بالای طالبان وضع کند. آنان در این گردهمایی خطاب

شماری از معترضان زن به پیش‌واژ از روز جهانی همبستگی زنان گردهم آمده و از «۸ مارچ» در یک مکان سرپسته تجلیل کردند. آنان ضمن انتقاد از وضعیت کنونی زنان زیر حاکمیت طالبان، می‌گویند که این گروه حقوق و نقش آنان در جامعه را نادیده گرفته و آنان را به حاشیه رانده است. این زنان معترض از جامعه جهانی می‌خواهند که هر چه زودتر برای بهبود وضعیت زنان افغانستان دست به کار شود. به باور آنان، سکوت جامعه جهانی در برابر محدودیت‌های سخت‌گیرانه طالبان علیه زنان، مهر تأییدی بر فعالیت‌های زن‌ستیزانه این گروه است.

گروهی از معترضان زن زیر عنوان «شبکه مشارکت سیاسی زنان» روز یکشنبه، ۱۴ حوت، در یک مکان سرپسته تجمع کردند و بر ادامه اعتراض‌های مدنی خود تأکید ورزیدند. نوار تصویری این گردهمایی که محل آن مشخص نیست، در اختیار روزنامه ۸ صبح قرار گرفته است. معترضان زن در این نوار تصویری می‌گویند، در حالی که جهان با سرعت به سوی تکامل و ترقی روان است، یک گروه تروریستی به نام طالبان آینده و سرنوشت زنان و دختران افغانستان را به گروگان گرفته است.

هشدار تلویحی نماینده اروپا به طالبان:

حکومت پیشین به سبب انحصار قدرت فروپاشید

فهیوم امین



از سوی دیگر، اعلامیه نشست سازمان ملل متحد که در سال ۱۹۹۲ میلادی صادر شد، مقام‌های حکومت‌ها را مکلف ساخته تا حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های مذهبی، قومی و زبانی را رعایت کنند و زمینه مشارکت کامل و موثر آنان در حیات فرهنگی، مذهبی، اجتماعی، اقتصادی و همچنان تصمیم‌گیری آنان در سطوح ملی و منطقه‌ای را فراهم بسازند.

طالبان اما برعکس با فرار محمدشرف غنی، رئیس جمهور پیشین کشور و بیشتر مقام‌های بلندپایه دولت، نظامیان پیشین را بازداشت، شکنجه و تیرباران کرده‌اند، زنان را از حوزه سیاسی و اجتماعی حذف و گروه‌های قومی و فکری مخالف خود را از بدنه نهادهای دولتی دور رانده‌اند. حامد کرزی، رئیس جمهور پیشین کشور، عبدالله عبدالله و ده‌ها سیاست‌مداری که در کشور باقی مانده‌اند، سلب صلاحیت شده و حتا از گشت‌وگذار آزادانه و سفرهای خارجی محروم گشته‌اند. طالبان از سیاست‌مدارانی که با فروپاشی نظام جمهوری به کشورهای دیگر آواره شده، نیز خواسته‌اند که به کشور برگردند، مشروط بر این که هیچ دخالتی در امور سیاسی نداشته باشند. با این‌همه، مقام‌های طالبان رژیم کنونی خود را همه‌شمول توصیف می‌کنند و از کشورها و سازمان‌های بین‌المللی خواسته‌اند که در امور داخلی افغانستان دخالت نکنند.

توماس نیکلاسون، نماینده ویژه اتحادیه اروپا در امور افغانستان، در حالی از احتمال فروپاشی رژیم طالبان به سبب انحصار قدرت هشدار داده است که طبق گزارش «سیگار» نیروهای نظامی حکومت پیشین به سبب انحصار قدرت توسط محمدشرف غنی در ۲۴ اسد سال گذشته خورشیدی، فروپاشیده است. گزارش اداره بازرسی ویژه ایالات متحده امریکا (سیگار) توضیح داده که رئیس جمهور غنی در اواخر دوره جمهوریت جنرالان غیرپشتون را از بدنه ارتش حذف و افراد وابسته به قوم پشتون و وفادار به خودش را به جای آنان مقرر می‌کرد. در کنار گزارش سیگار، سیاست‌مداران و مقام‌های برحال و معزول حکومت اشرف غنی نیز در دور دوم ریاست او از انحصار قدرت توسط آقای غنی انتقاد می‌کردند.

جریان دو دهه گذشته شهروندان افغانستان متناسب با ترکیب قومی محلی با حضورشان در دواير ولايتی وظيفه اجرا می‌کردند، اما از زمان بازگشت طالبان به قدرت، ترکیب قومی ساختارهای حکومتی به شمول سطوح ولایت‌ها و ولسوالی‌ها به‌گونه جدی تعویض شده است. این گزارش می‌افزاید: «در ولایات بامیان، دایکندی و غور، در ریاست‌های عدلیه، زراعت و آبیاری، معادن و پترولیم، معارف، به شمول دانشگاه بامیان و شهرداری‌ها یک تعداد منسوبان طالبان جاگزین کارمندان دولت پیشین شده‌اند که عمدتاً ناشی از وابستگی قومی می‌باشد.»

طبق این گزارش، موارد مشابه در سایر ولایت‌های شمالی کشور نیز گزارش داده شده است. گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل در این گزارش توضیح داده است: «از میان ۳۰ تن اعضای کابینه دولت مقامات بالفعل، تنها پنج تن آنان به گروه‌های قومی غیرپشتون تعلق دارند (دو تن تاجیک، دو تن اوزبیک و یک تن نورستانی)». بنابراین، نماینده‌گان بیشتر اقلیت‌های قومی در دیدار با گزارشگر ویژه خاطرنشان ساخته‌اند که احساس می‌کنند به‌گونه کامل از همه پروسه‌های تصمیم‌گیری حذف شده‌اند. ریچارد بنت خواستار تأمین حقوق اقلیت‌های قومی، مذهبی و زبانی از سوی طالبان شده است.

است. توماس نیکلاسون از طالبان خواسته است که به تشکیل حکومت همه‌شمول تن بدهند و اجازه دهند که نماینده‌گان همه اقشار جامعه در تصمیم‌گیری‌های بزرگ سیاسی مرتبط به افغانستان، سهم داشته باشند. طالبان نیز دیدار نماینده ویژه اتحادیه اروپا با معاون سیاسی رییس‌الوزرای این گروه را تأیید کرده‌اند. دفتر مولوی عبدالکبیر با نشر خبرنامه‌ای گفته است که معاون سیاسی رییس‌الوزرای این گروه در دیدار با توماس نیکلاسون تأکید کرده که رژیم آنان خواستار تعامل با جامعه جهانی و متعهد به ایجاد حکومت فراگیر در افغانستان است. در این خبرنامه جزئیات بیشتر ارایه نشده است.

نماینده ویژه اتحادیه اروپا در امور افغانستان در حالی به‌گونه غیرمستقیم به طالبان گوش‌زد کرده که انحصار قدرت سبب فروپاشی رژیم آنان خواهد شد که طالبان با تسلط بر افغانستان همه کرسی‌های بلند حکومت را به افراد خود واگذار کرده‌اند. رهبری این گروه در حالی جنگ‌جویان خود را در بست‌های بلند دولتی مقرر کرده‌اند که بیشتر آنان سواد کامل و تجربه مسلکی برای پیش‌برد امور ندارند.

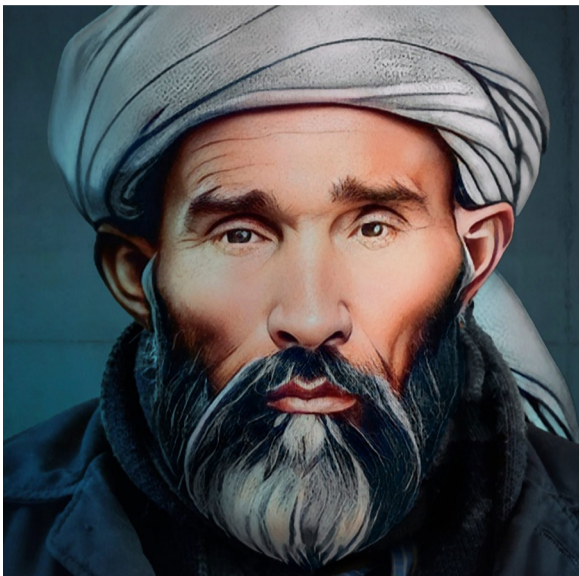
ریچارد بنت، گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد، در تازه‌ترین گزارشش از تشدید قوم‌گرایی توسط طالبان خبر داده است. در این گزارش آمده است که در

هرچند مشارکت همه اقشار جامعه به‌ویژه نماینده‌گان سیاسی اقوام و زنان در تصمیم‌گیری‌های مرتبط به سرنوشت کشور، حق شهروندی و نیاز اساسی برای کسب مشروعیت یک حکومت شمرده می‌شود، اما طالبان تلاش دارند رژیم آنان بدون رعایت این حق مسلم شهروندان از سوی جامعه جهانی به رسمیت شناخته شود. نقض حقوق بشر، وضع محدودیت‌های دست‌وپاگیر بر شهروندان، محرومیت زنان از حقوق اساسی، قوم‌گرایی و انحصار قدرت از انتقادات دیگری است که در بیش از یک‌ونیم سال گذشته بر رژیم طالبان وارد شده است. براساس گزارش ریچارد بنت، در کابینه سرپرست طالبان تنها پنج تن از اقوام غیرپشتون حضور دارند. طبق این گزارش، طالبان با تسلط بر افغانستان به قوم‌گرایی و حذف کارمندان غیرپشتون از سطوح بالا و پایین نهادهای دولتی اقدام کرده‌اند. با این‌همه، نماینده ویژه اتحادیه اروپا در دیدار با مقام‌های ارشد طالبان به‌گونه تلویحی هشدار داده است که در صورتی که رهبران این گروه به انحصار قدرت ادامه دهند، رژیم آنان نیز همانند حکومت محمدشرف غنی فرو خواهد پاشید.

توماس نیکلاسون، نماینده ویژه اتحادیه اروپا در امور افغانستان، به‌تازه‌گی با مولوی عبدالکبیر، معاون سیاسی رییس‌الوزرای طالبان در کابل دیدار کرده است. آقای نیکلاسون در این دیدار به طالبان گفته است که آنان باید به نظر و مشورت شهروندان متخصص و باتجربه خارج از حلقه رژیم خود نیز گوش بدهند. نماینده ویژه اتحادیه اروپا از انحصار قدرت سیاسی توسط طالبان انتقاد کرده و گفته است که انحصار قدرت سبب فروپاشی حکومت پیشین در افغانستان شده

ملافیض محمد کاتب؛

مورخ یا وقایع نگار؟



نبی ساقی

سراج‌التواریخ اثر ملا فیض‌محمد کاتب، از نظر درج اطلاعات و معلومات خام تاریخی، شهکار بزرگ و مهمی است. شاید از صد سال قبل، ما کتابی به اهمیت سراج‌التواریخ نداشته باشیم یا کمتر داشته باشیم. این کتاب از دو جنبه، قابل توجه و اهمیت است؛ یکی نثر روان و تقریباً بدون حشو و زوایدی که در مرز نثر ماقبل و مابعد خود قرار می‌گیرد و دیگر از این جهت که مقدار فراوانی از اطلاعات و معلومات تاریخی در آن گردآوری شده است و این مواد می‌تواند برای مورخان و تاریخ‌نگاران، قابل استفاده و بررسی باشد.

اما برای پاسخ به این سوال که ملا فیض‌محمد کاتب، مورخ بود یا وقایع‌نگار، باید دیده شود که مورخ چیست و وقایع‌نگاری چیست و این دو مفهوم، چه تفاوت و تباینی با هم‌دیگر دارند. ادوار حالت کار در کتاب «تاریخ چیست؟» که یکی از آثار معروف در عرصه تاریخ به حساب می‌آید، آورده است که «مورخ وظیفه دوگانه‌ای دارد: کشف حوادث معدوم و مهم و تبدیل آن‌ها به وقایع تاریخی؛ و دوم، دور انداختن رویدادهای ناچیز بی‌شمار فاقد اهمیت تاریخی.» (کار، ۱۳۹۶: ۴۱) او در ادامه بحث خود علاوه می‌کند که «فرامین، عهدنامه‌ها، مکاتبات و دفترهای خاطرات... مادامی که مورخ روی آن‌ها کار نکرده و کلید کشف رمز آن را به دست نیاورده، معنا و مفهومی ندارد.» (همان، ۴۳) کار، از قول کرویچ می‌نویسد: «کار اصلی مورخ ثبت و ضبط نیست، ارزش‌یابی است.» (همان، ۳۹-۴۰) از نظر کار، «تاریخ، یعنی تفسیر». به نظر او، «نمی‌توان کار مورخ و فهمید، مگر این‌که دیدگاهی را که اساس برداشت او بوده، دریابیم.» (همان، ۷۰) سرانجام کار در اثر خود به این نکته می‌رسد که «تاریخ، مطالعه علل است» (همان، ۱۲۷) و «عینیت در تاریخ، عینیت امر واقع نیست، بلکه عینیت، رابطه میان واقعیت و تفسیر است.» (همان: ۱۶۶) بنابراین، از این منظر وقتی به اثر کاتب نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که او تفسیر نمی‌کند، علل تاریخی را مورد مطالعه قرار نمی‌دهد و در صدد ارزش‌یابی حوادث نیست.

اریک هابسبام نیز در اثر خود «درباره تاریخ» خاطرنشان می‌سازد که «تاریخ از توصیف و روایت به تحلیل و تبیین سوق یافته است.» (هابسبام، ۱۳۹۸: ۱۰۲) بابک احمدی نیز در «رساله تاریخ» در تایید همین رویکرد، می‌نویسد: «در فلسفه تاریخ، میان «رویداد» و «فهم» تفاوت می‌گذاریم.» (احمدی، ۱۳۹۹: ۴۷). از نظر بابک احمدی، در تاریخ «حقیقت چندان اهمیت ندارد؛ آن‌چه مهم است، تاریخ تاویل‌های این حقیقت است. ما با تاویل حقایق به آن‌ها معنا می‌بخشیم.» (همان: ۵۱) می‌بینیم که از نظر بابک احمدی نیز، تاریخ فقط ثبت رویدادها نیست. تحلیل و سنجش رویدادها، کشف

○

سراج‌التواریخ اثر ملا فیض‌محمد کاتب، از نظر درج اطلاعات و معلومات خام تاریخی، شهکار بزرگ و مهمی است. شاید از صد سال قبل، ما کتابی به اهمیت سراج‌التواریخ نداشته باشیم یا کمتر داشته باشیم.

و تایید کرده و کاتب را نه مورخ به معنای امروز، بلکه وقایع‌نگار دانسته است.

موسوی در پاسخ به خبرنگار ۸ صبح می‌گوید: «دو مفهوم از تاریخ داریم. یکم، تاریخ‌نگاری یا هیستوگرافی (histography) که در حقیقت وقایع‌نگاری است و از هزاران سال تا اکنون مرسوم بوده و تا پیش از اسلام پیشینه داشته است. دوم، هیستولوژی (histology) است که تاریخ علمی یا تاریخ‌نگاری مدرن می‌باشد. این نوع، ۱۵۰ سال پیش آغاز شد. این شیوه تاریخ‌نگاری براساس نظریه‌های فلسفی، روش نگارش علمی و نقد و تحلیل و مبتنی بر تخصص دانش تاریخ‌نگاری کار می‌شود و در رابطه با چیستی، چونی و چرایی حوادث، بحث می‌کند. بنابراین، «سراج‌التواریخ» از نوع اول و وقایع‌نگاری بوده است. حتماً فیض‌محمد کاتب نیز خود را «وقایع‌نگار» می‌گفت. این گزارش‌ها و وقایع بدون تجزیه، تحلیل و ارزیابی و از زاویه منافع حاکمیت بیان شده و در کل تاریخ درباری و دستوری است؛ اما می‌تواند به‌عنوان آرشیف درجه یک مواد خام، مورد استفاده قرار گیرد. جلد نخست سراج‌التواریخ تکرار مکررات وقایع گذشته است و در حقیقت از گذشته‌گان و کتاب‌های دیگران نسخه‌برداری شده است و در جلد‌های دیگر به

علت‌ها و تعمیم نتایج آن‌ها، بحث اصلی تاریخ‌نگاری مدرن است. از نظر احمدی، این وظایف تاریخ‌نگار را به سوی «نظریه‌های تاریخی» می‌کشاند و به قول آرون، تاریخ‌نگار، بدون نظریه‌ای که در آن مفاهیم به دقت تعریف شده باشند، نمی‌تواند بسیاری چیزها را ببیند و درک کند.

بنابراین، می‌بینیم که در کار کاتب نظر به شرایط زمان خودش و درکی که از تاریخ‌نگاری وجود داشته، این معیارها و شاخص‌ها وارد نشده است. محتویات سراج‌التواریخ نه براساس ارزش‌یابی حوادث متعدد انتخاب شده و نه هم کتاب، بر کدام نظریه تاریخی مشخصی استوار شده که تاریخ را بر مبنای آن نظریات نوشته و رابطه علت و معلولی حوادث را بررسی کرده باشد. بنابراین، کار کاتب، بیشتر وقایع‌نگاری است؛ به این معنا که حوادث و وقایعی که دولت و نظام زمان به او فرستاده و یا دستور داده، کاتب به‌عنوان سرپرست یک گروه کاری دولتی، این حوادث را ثبت و درج کرده است و اگر کاتب نمی‌بود، طبعاً کسی دیگر این وظیفه را پیش می‌برد.

دکتر سیدعسکر موسوی، محقق افغانستانی، نیز در مصاحبه‌ای در روزنامه ۸ صبح همین نکته را یادآوری

امین کاوه

خیال یکی از مفاهیم کلیدی در فلسفه است. این مفهوم فلسفی در میان نحله‌های فکری با برداشت‌ها و تاویل‌های گوناگون مواجه است. خیال به‌عنوان عنصر کلیدی در خلق اندیشه و تفکر، همواره مورد کاربرد اندیشمندان سیاسی، نویسندگان، هنرمندان و شاعران قرار داشته است. فیلسوفان، اندیشمندان سیاسی و هنرمندان در درازنای زمان هر کدام با توجه به فهم و غایت کارشان، به این امر فلسفی و فکری پرداخته‌اند. خیال در گستره تفکر و خرد انسانی تا آن‌جا از اهمیت و جایگاه برخوردار است که مقدم بر تفکر دانسته می‌شود. عنصر خیال تنها به حوزه هنر منحصر نمی‌شود، بلکه در سیاست از جایگاه مهم‌تر و جدی‌تری برخوردار است. این امر در اندیشه سیاسی و سیاست نقش برآزنده و پراهمیت دارد، تا آن‌جا که در تاریخ اندیشه سیاسی، افلاطون آرمان‌شهرش را به‌عنوان جاگزین نظام‌های «تباه» پیشنهاد می‌کند. از نظر افلاطون، باید با دید آسیب‌شناسانه به سیاست نگریسته شود. پس از افلاطون، اندیشمندان و فیلسوفان زیادی تا دوران ما در مورد خیال سیاسی و نقش آن در تعمیم اندیشه سیاسی سخن زده‌اند که مجال ذکر همه آن‌ها در این جستار نیست.

از سوی دیگر، بررسی نسبت سیاست با عالم خیال، کاری سخت و در عین حال نامأنوس است. مخالفان

خیال سیاسی و فهم وارونه آن در افغانستان

فلسفه سیاسی و هنری است؛ اما دیده می‌شود که در افغانستان به این امر سیاسی و هنری که بال اندیشه را می‌گشاید، به افق تفکر میدان می‌دهد و قدرت اندیشیدن و رویاپردازی را فربه می‌سازد، به‌سان یک مفهوم غیرضروری و ناچیز دیده می‌شود. درک درست از قدرت خیال حتا در میان سیاستمداران و نخبه‌گان جامعه سیاسی به نظر نمی‌رسد، یا هم آن را وارونه می‌فهمند. در حالی که اگر واقع‌بینانه نگریسته شود، زبان سیاست بر عنصر خیال استوار است؛ چون سیاست در کنار سایر مفاهیمی که از آن استنباط می‌شود، کارکرد اقناع مردم و شیوه پذیرش درونی از برنامه‌های سیاسی را نیز برعهده دارد. سیاستمدار با عالم خیال می‌تواند خوب‌تر و بهتر در باورهای مردم نفوذ کند و به اقناع آن‌ها بپردازد. مفاهیمی چون هویت ملی، تمدنی و فرهنگی نیز در قدرت خیال به‌شکل درست‌تر و نیکوتر می‌تواند تبیین و جامعه‌پذیر شود. امروز اگر تنش در مورد مفهوم هویت ملی وجود دارد، شکاف‌های قومی هر روز برجسته‌تر می‌شود و فضای مجازی به دادگاه‌های صحرایی تبدیل می‌گردد، یکی از عوامل آن، عدم درک خیالات شهروندان جامعه متکثر است که مانع ایجاد حس مشترک می‌شود. فرجام سخن را به ژاک لاکان فیلسوف و روان‌کاو فرانسوی می‌سپاریم که گفته است با قوه خیال می‌توان شعله میل را فروزان نگه داشت و کنش‌های سیاسی جمعی را براساس آن تبیین کرد.



عالمی از خیال و تصویرهای خیالی دارند که نهایت امر اهدافشان را تشکیل می‌دهد. این افراد برای رسیدن به آن خیالات، مبارزه و پیکار می‌کنند. هنرمندی که با عالم خیال رابطه نداشته باشد، موسیقی‌ای که در تار خیال نوازند و اندیشمندی که جولانگاه تفکر را در عالم خیال نگشاید، کمتر می‌تواند به کار جدی و بنیادی دست یابد.

خیال در اندیشه متکلمان اسلامی نیز جایگاه بلندی دارد. ملا صدرا وقتی در مورد قوه خیال سخن می‌زند، می‌گوید: «همه عالم مظهر قدرت الهی است، عالم خیال هم مظهر قدرت خلاقه انسان است.»

خیال سیاسی و در کل مفهوم خیال، از مفاهیم اساسی

نسبت عالم خیال با سیاست، معتقدند که خیال متعلق به حوزه خصوصی و بدون مبانی عقلی است، در حالی که سیاست از حوزه جدی اجتماعی است و مبانی قابل فهم در عقل و واقعیت دارد. موافقان نسبت عالم خیال با سیاست می‌گویند که نباید خیال را در حوزه هنری و فردی به بررسی گرفت. از نظر این طیف، سیاست مهم‌ترین روزه را به سوی عالم خیال می‌گشاید و این خیال سیاسی است که هویت‌آفرینی می‌کند و بستر شکل‌گیری اندیشه و التزامات مدیریت سیاسی را برای یک جامعه آرمانی فراهم می‌سازد. از نظر آن‌ها، اگر خیال از سیاست گرفته شود، قانون‌گذاری، برقراری نظم و ثبات اجتماعی، توسعه و جامعه ایده‌آل سیاسی نیز از سیطره ذهن بساط خویش را برمی‌چیند.

در هر دو حالت، دیده می‌شود که خیال عنصری مهم در خلق اندیشه و ترسیم جامعه آرمانی است که هم در بعد انفرادی و هم در عرصه اجتماعی از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. اگر به بلندپروازی‌های هنری، فرهنگی و تمدنی نگریسته شود، همه زاینده خیالات انسانی‌اند که در مقاطع مختلف توسط انسان‌های خیال‌پرداز به منصف ظهور رسیده و از عالم خیال به عالم واقعیت و محسوس پیاده شده‌اند. جوامعی که در آن‌ها به خیال اهمیت داده نمی‌شود، خیالات انسانی به پویش و رویش نمی‌رسد و به خیالات میدان داده نمی‌شود. آن جوامع ایستا، یک‌دنده و عاری از خلاقیت و نوآوری‌اند. همه آدم‌ها در زنده‌گی خویش

در دو ماه پسین هفت غیرنظامی کشته شده‌اند



۸ صبح، بامیان

**بر بنیاد اظهارات
باشنده‌گان بامیان، علاوه
بر این قتل‌ها، چندین
رویداد مشابه دیگر نیز
در این ولایت رخ داده
که به دلیل ترس از
طالبان تاکنون رسانه‌ای
نشده‌اند. اطلاعات
باشنده‌گان بامیان همچنان
نشان می‌دهد افرادی
که در این دو ماه به‌گونه
«مرموز و فجیع» در این
ولایت کشته شده‌اند،
پیشینه نظامی نداشته‌اند.**

افزایش قتل‌های مرموز و تعقیب نظامیان پیشین از سوی افراد مسلح ناشناس، باشنده‌گان ولایت بامیان را نگران ساخته است. آمارهای گردآوری شده نشان می‌دهد که در دو ماه پسین دست‌کم هفت باشنده مرکز و ولسوالی‌های این ولایت به‌گونه فجیع از سوی افراد ناشناس به قتل رسیده‌اند. طبق اظهارات منابع محلی، همه این افراد غیرنظامی بوده‌اند و در برخی از موارد اجساد آنان سلاخی و اعضای بدن آنان مفقود شده است. منابع همچنان از تعقیب نظامیان پیشین توسط نیروهای طالبان خبر می‌دهند و می‌گویند که افراد طالبان به بهانه‌های گوناگون نظامیان پیشین و همکاران نیروهای خارجی در افغانستان را ردیابی می‌کنند. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان نیز از افزایش قتل‌های هدفمند در افغانستان ابراز نگرانی کرده و از طالبان خواسته است تا جلو این ناامنی‌ها و بی‌نظمی‌ها را بگیرند.

یکی از باشنده‌گان مرکز بامیان به شرط حفظ هویتش به روزنامه ۸ صبح می‌گوید که یک راننده به نام خلیفه راهب در ۱۵ دلو از سوی افراد مسلح به قتل رسیده است. خلیفه راهب باشنده روستای «گوهرگین» ولسوالی یکه‌ولنگ نمبر ۱ ولایت بامیان بوده است. این باشنده بامیان ادعا دارد که خلیفه راهب از سوی سیدعبدل، محافظ سیدجاوید، فرمانده امنیه طالبان در این ولسوالی، با شلیک گلوله کشته شده است. طالبان اما تاکنون درباره قاتل این راننده ابراز نظر نکرده‌اند.

همچنان براساس اظهارات منابع محلی شش تن دیگر در ولسوالی‌های پنجاب، سیغان و مرکز ولایت بامیان از سوی افراد مسلح ناشناس به‌گونه مرموز و فجیع کشته شده‌اند. عیسا، جوان ۱۸ ساله بوده که جسدش به تاریخ ۱۳ جدی از داخل یک تشناب در بازار ولسوالی پنجاب پیدا شده است. او با شلیک گلوله کشته شده است. براساس اطلاعات منابع محلی، یک جوان دیگر به نام علی‌داد که تقریباً ۲۲ سال سن داشته، در ۱۷ دلو از سوی افراد مسلح ناشناس به قتل رسیده است. او که شغل چوپانی داشته، جسدش از ساحه «دره‌شکاری» از مربوطات ولسوالی شیر پیدا شده است. این باشنده بامیان نیز با شلیک گلوله به قتل رسیده است.

به دنبال این رویدادها، جسد پارچه‌پارچه شده یک مرد جوان به تاریخ ۲۴ دلو از منطقه «دره ککرک» از مربوطات مرکز ولایت بامیان پیدا شده است. هویت این جسد به دلیل مفقود بودن شماری از اعضای بدن از جمله سر و صورت، هنوز تشخیص نشده است.

یکی از باشنده‌گان بامیان که نخواست نامش در این گزارش درج شود، گفت: «به تاریخ ۴ حوت اجساد تیرباران شده سه جوان از جمله دو برادر به نام‌های محمدآصف، محمدغنی و کریم، باشنده‌گان روستای خشک‌دره سیغان از دره‌ای در مربوطات کوتل دندان شکن در مرز میان ولسوالی‌های کهمرد و سیغان بامیان پس از یک هفته مفقود شدن یافت شده است.» این باشنده بامیان می‌افزاید: «بررسی‌های نخستین نشان می‌دهد که افراد مسلح ناشناس این سه جوان را با دستان و چشمان بسته تیرباران کرده و سپس اجسادشان را به داخل دره پرتاب کرده‌اند.»

بر بنیاد اظهارات باشنده‌گان بامیان، علاوه بر این قتل‌ها، چندین رویداد مشابه دیگر نیز در این ولایت رخ داده که به دلیل ترس از طالبان تاکنون رسانه‌ای نشده‌اند. اطلاعات باشنده‌گان بامیان همچنان نشان می‌دهد افرادی که در این دو ماه به‌گونه

آغاز سال تحصیلی؛

طالبان از ورود دختران به دانشگاه‌ها چیزی نگفته‌اند

۸ صبح، پروان

براساس اعلامیه وزارت تحصیلات عالی طالبان، قرار است درس‌های حضوری دانشگاه‌ها بدون حضور دانشجویان دختر در ولایت‌های سردسیر امروز آغاز شود. در اعلامیه وزارت تحصیلات عالی درباره زمان بازگشایی دروازه دانشگاه‌ها به روی دختران چیزی نیامده است. انتظار می‌رفت با پایان تعطیلی‌های زمستان، دروازه دانشگاه‌ها به روی دختران نیز باز شود، اما طالبان در این مورد معلومات نداده‌اند. اکنون شماری از دانشجویان دختر، طالبان را به تعهدشکنی در خصوص باز شدن دروازه دانشگاه‌ها به روی دختران متهم می‌کنند. افزون بر این، شماری از سیاست‌مداران نیز خواستار بازگشایی دروازه دانشگاه‌ها و مکاتب به روی دختران و برگشت زنان به کار هستند. شماری از فعالان حقوق زن اما باز شدن دروازه دانشگاه‌ها و مکاتب با نصاب آموزشی طالبان را تدریس اندیشه‌های طالبانی عنوان می‌کنند و بسته ماندن نهادهای آموزشی و تحصیلی را ترجیح می‌دهند. مونسه مبارز، فعال حقوق زن و یکی از زنان معترض، در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید: «باز شدن دروازه‌های مکاتب و دانشگاه‌ها مشکلی را حل نمی‌کند. خواست‌های ما هم من حیث حقوق و علوم سیاسی در یکی از دانشگاه‌های دولتی کشور است. او که ماه‌ها برای باز شدن دروازه دانشگاه‌ها به روی دختران منتظر مانده، اکنون ناامید شده است. خالده در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید: «از سال گذشته میلادی تا حال خیلی امیدوار بودم که دروازه دانشگاه‌ها براساس وعده طالبان در سال پیش رو باز می‌شود، اما روز چهارشنبه هفته گذشته که اعلامیه وزارت تحصیلات عالی را دیدم، خیلی ناامید شدم. از آن روز تا امروز وضعیت روحی و روانی‌ام هیچ خوب نیست.»

این دانشجو طالبان را به تعهدشکنی در پیوند به باز شدن دروازه دانشگاه‌ها به روی دختران متهم می‌کند و می‌افزاید: «طالبان همیشه به مردم دروغ می‌گویند. در واقع هیچ اراده‌ای برای باز شدن دروازه مکاتب و دانشگاه‌ها به روی دختران ندارند. چرا واضح اعلام نمی‌کنند که از این پس هیچ زن و دختر افغانستان حق تعلیم و تحصیل را ندارد تا همه بدانند که کشور ما را به چه قسم یک گروه سپرده‌اند.»

شمار دیگری از دانشجویان دختر، کشورهای جهان به‌ویژه ایالات متحده آمریکا را عامل محرومیت دختران از تحصیل عنوان می‌کنند و می‌گویند که این کشورها طالبان را بالای مردم افغانستان حاکم ساخته‌اند. مرسل امیری، دانشجو در کابل، می‌گوید: «عامل تمام بدبختی‌های امروزی مردم به‌خصوص زنان و دختران افغانستان کشورهای جهان به‌ویژه آمریکا هستند که با طالبان توافق کردند. امروز با آن که می‌دانند گروه طالب یک گروه افراطی است و حقوق اساسی انسان‌ها را سلب کرده است، باز هم نظاره‌گر هستند. این کشورها فقط با یک اعلامیه بی‌ارزش اقدام‌های زن‌ستیزانه طالبان را محکوم می‌کنند و بس. تا چه وقت می‌گذارند که حقوق ما پای‌مال شود؟»

دانشجویان دختر از طالبان می‌خواهند که هم‌زمان با آغاز دروس دانشجویان پسر به دختران نیز اجازه بدهند تا دروس‌شان را از سر بگیرند؛ خواستی که به رغم فشارهای پیهم جهانی بر طالبان تاکنون نتیجه مثبت در پی نداشته است.

در همین حال، دفتر حامد کرزی، رییس جمهور پیشین کشور، روز یک‌شنبه، ۱۴

حوت، در یک رشته‌توییت نگاشته است که شماری از عالمان دین ولایات مرکزی و بزرگان قومی در دیدار با آقای کرزی، خواستار بازگشایی مکاتب و دانشگاه‌ها به روی دختران و برگشت زنان به کار شده‌اند. اعلامیه می‌افزاید که در این دیدار بر آغاز گفت‌وگوهای ملی برای ثبات دایمی در افغانستان نیز تأکید شده است. همچنان توماس نیکلاسون، نماینده ویژه اتحادیه اروپا، در دیدار با مولوی عبدالکبیر، معاون سیاسی رییس‌الوزرای طالبان، نیز خواستار بازگشایی مکاتب و دانشگاه‌ها به روی دختران شده است.

با این حال، شماری از فعالان حقوق زن گشایش دانشگاه‌ها و مکاتب با نصاب آموزشی طالبان را تدریس اندیشه‌های طالبانی عنوان می‌کنند و بسته ماندن نهادهای آموزشی و تحصیلی را ترجیح می‌دهند. مونسه مبارز، فعال حقوق زن و یکی از زنان معترض، در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید: «باز شدن دروازه‌های مکاتب و دانشگاه‌ها مشکلی را حل نمی‌کند. خواست‌های ما هم من حیث زنان معترض، باز شدن دروازه‌های مکاتب و دانشگاه‌ها نیست. گیریم که دروازه‌های مکاتب و دانشگاه‌ها باز شد، نصاب آموزشی و تدریس اندیشه‌های طالبانی چه دردی را دوا می‌کند؟ استخدام تعدادی از ملاهای بی‌سوادی که در مدرسه‌های شبکه حقانی شش ماه بیشتر درس نخونده‌اند در دانشگاه‌ها به‌حیث استاد، چه مشکلی را حل می‌کند؟ اگر با همان نصاب آموزشی مدرن باز نگه داشته می‌شد، خوب بود، ولی این که تروریست تربیت شوند، بهتر است که بسته باشد.»

خانم مبارز خواستار تحقق عدالت، ایجاد حکومت مشارکتی، برگزاری انتخابات، سهیم ساختن شهروندان در روندهای سیاسی و حضور زنان در ساختار سیاسی و اجتماعی کشور است. او می‌افزاید: «ما ماموریت نمی‌خواهیم، ما خواستار شراکت در قدرت و عضویت در کابینه هستیم. ما تقسیم قدرت سیاسی می‌خواهیم، حاکمیت قانون می‌خواهیم، مساوات و برابری می‌خواهیم. بسته ماندن دروازه‌های مکاتب و دانشگاه‌ها جنایتی نابخشودنی است و هیچ گاهی تاریخ این سیاه‌روی و گردن‌بسته‌گی هبت‌الله و دارودسته‌اش را فراموش نمی‌کند. طالبان هرگز مورد عفو ملت افغانستان قرار نمی‌گیرند.»

گفتنی است که وزارت تحصیلات عالی طالبان در اواخر سال گذشته میلادی تحصیل دختران در دانشگاه‌های دولتی و خصوصی تا اطلاع ثانوی به حالت تعلیق درآورده است. همچنان این وزارت حدود دو ماه پیش به موسسه‌های تحصیلات عالی خصوصی دستور داده که برای سمستر بهاری سال ۱۴۰۲ خورشیدی دانشجوی دختر جذب نکنند. پیش از این وزارت معارف زیر اداره طالبان نیز آموزش دختران را تا امر ثانوی تعلیق کرده بود، اما با گذشت یک‌ونیم سال، از امر ثانوی طالبان خبری است.

این تصمیم‌های طالبان واکنش‌های زیاد ملی و بین‌المللی را در پی داشته است. سازمان همکاری‌های اسلامی و بسیاری از کشورهای جهان روی گشایش مکاتب و دانشگاه‌ها به روی دختران تأکید کرده‌اند، اما طالبان تاکنون به هیچ‌یک از این خواست‌ها لبیک نگفته‌اند.



سیاست خارجی ایران و دوگانه‌انگاری «خیر و شر» طالبان در پیوند به واگذاری سفارت افغانستان

بردیا معین

چند روز پیش از ورود طالبان به سفارت افغانستان، وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران از دیپلمات‌های سفارت افغانستان می‌خواهد تا بدون هیچ مقاومت و ممانعتی سفارت را به طالبان تسلیم کنند؛ چون تصمیم شورای عالی امنیت است. شورای عالی امنیت جمهوری اسلامی ایران بالاترین قدرت تصمیم‌گیری در امور خارجی، امنیتی و دفاعی ایران است. دیپلمات‌های سفارت افغانستان در تهران اما همه اسناد و مدارک محرم و امکانات سفارت، از جمله حساب‌های بانکی و مقداری پول نقد را به‌طور امانت در اختیار وزارت خارجه ایران قرار می‌دهند و به آن‌ها می‌گویند که ما سفارت را به طالبان تسلیم نمی‌کنیم، شما این کار را بکنید. وزارت خارجه ایران هم قبول می‌کند و پس از اشغال سفارت توسط طالبان، امانتی‌ها را به طالبان واگذار می‌کند. (منبع) ما در این نوشته روابط جمهوری اسلامی ایران با طالبان را در دو دوره (از ۱۳۷۳ - ۱۳۸۰) تا (۱۳۹۰ - ۱۴۰۰) به‌طور اجمالی به بررسی می‌گیریم؛ دوره‌ای که پر از تنش بود و طالبان به منبع شر برای جمهوری اسلامی تبدیل شده بودند که منافع این کشور را تهدید می‌کرد و جمهوری اسلامی را واداشت تا از هیچ تلاشی برای براندازی طالبان دریغ نکند. دوره دوم اما، که می‌توان به دوره تنش‌زدایی از آن یاد کرد، به سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۱۳ برمی‌گردد که مقام‌های جمهوری اسلامی با طالبان وارد گفت‌وگوها و همکاری‌های راهبردی می‌شوند. این روش تا سقوط کابل در سال ۲۰۲۱ ادامه داشت. پرسش ما در این نوشته این است که چه چیزی باعث شد تا طالبان برای جمهوری اسلامی ایران از منبع شر به منبع خیر تبدیل شوند. در این معما چه رازی نهفته است که ما نمی‌دانیم؟

سیاست خارجی ایران و دوگانه‌انگاری «خیر و شر» طالبان

طالبان از همان آغاز ظهورشان در میدان سیاست افغانستان تا به امروز که برای بار دوم به حاکمیت رسیده‌اند، با سیاست‌های ناهمگون و دوگانه

جمهوری اسلامی ایران در برابر خود مواجه بوده‌اند. در پیوند به این نوع سیاست‌ها، رویکرد جمهوری اسلامی در برابر طالبان را می‌توان در دو زمان و در قالب دو مقوله معرفی «خیر و شر» قرار داد و به بررسی گرفت. طالبانی که زمانی به‌عنوان یک گروه سنی وهابی و ضد شیعی در پیشگاه جمهوری اسلامی معنا و مفهوم داشتند و به «منبع شر» تعبیر می‌شدند و طالبانی که حالا از برکت معبران سیاسی جمهوری اسلامی، به «منبع خیر» تعبیر می‌شوند که حضورشان در همسایه‌گی با آن‌ها هیچ‌گونه منافاتی با منافع ملی (سیاسی و عقیدتی) جمهوری اسلامی ایران ندارد. نکته قابل تامل اما این‌جا است که طالبان با وجودی که به‌مراتب نظر به گذشته از عصبیت ایدیولوژیکی بیشتری برخوردار شده‌اند و هیچ‌گونه تغییر و تعدیل قابل ملاحظه‌ای در نیت و رفتارهای آن‌ها دیده نمی‌شود، پس چه چیزی سبب شده تا جمهوری اسلامی پس از سال‌ها دشمنی با این گروه، حالا به حمایت از آن‌ها آستین بر زند؟ جمهوری اسلامی که زمانی بیش از هر کشوری تلاش می‌کرد تا رژیم طالبان را سقوط بدهد، حالا این گروه را تا رسیدن دوباره به قدرت مشایعت می‌کند و زودتر از هر کشوری نماینده‌گی سیاسی افغانستان را به آن‌ها واگذار می‌کند. ما در این مقاله، طالبان را به سیاست دوگانه‌انگاره جمهوری اسلامی ایران پیوند می‌زنیم که طالبان را به منبع خیر و شر برای آن‌ها تبدیل کرده است و سپس روابط این کشور با طالبان را در دو زمان جداگانه به بررسی می‌گیریم تا به‌صورت فاکتوریال توانسته باشیم تفاوت رویکرد جمهوری اسلامی ایران در قبال آن‌ها را مقایسه کنیم. مساله اصلی ما در این نوشته این است که چه چیزی باعث شد تا طالبان برای جمهوری اسلامی ایران - پس از یک دوره دشمنی - به دوست تبدیل شوند؟ در این معما چه رازی نهفته است که باید رمزگشایی شود؟

رویکرد جمهوری اسلامی ایران در مورد طالبان از ۱۳۷۳ تا ۱۳۸۰

طالبان به‌عنوان یک گروه بنیادگرای سنی‌مذهب و عمدتاً پشتون زیر نام «تحریک طالبان» با تصرف منطقه مرزی سپین‌بولدک ولایت قندهار در سال

ایران سال‌ها مخالف برقراری ارتباط سیاسی با طالبان بود و هرگونه تمایز و تفکیک آن‌ها با شبکه‌های تروریستی دیگر مانند القاعده و داعش را رد می‌کرد. مجموعه این گزاره‌ها نشان می‌دهد که ایران، طالبان را از زمان ظهور تا سقوط دشمن جمهوری اسلامی می‌خواند. از همین جهت این کشور پیوسته تلاش ورزیده بود تا از شر آن‌ها خلاص شود. در واقع رویکرد جمهوری اسلامی ایران در مورد طالبان از سال ۱۳۷۳ تا ۱۳۸۰ بیشتر امنیت‌محور بوده و حضور این گروه را در همسایه‌گی خود در تقابل با امنیت ملی خود می‌دانسته است.

۱۳۷۳ ظهور کردند که مورد توجه برخی کشورهای جهان، به‌خصوص جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت. در آن زمان هر گونه شناخت از این گروه، حتا برای دستگاه‌های اطلاعاتی کشورهای منطقه کامل نبود و پرسش‌های زیادی را مبنی بر چیستی این گروه در افکار عمومی رقم می‌زد. این‌که طالبان دقیقاً از کجا آمده بودند و چگونه سازمان‌دهی شده بودند، به یکی از سخت‌ترین معماهای موجود در آن زمان تبدیل شده بود. اولیویه رواد، نویسنده برجسته فرانسوی در زمینه طالبان گفته است: «من ظهور این افراد را در سال ۱۹۸۴ در مناطق ارزگان، زابل و قندهار دیده بودم.» بدون تردید زمینه‌های فکری و فرهنگی و استخباراتی ظهور غیرمترقبه طالبان در افغانستان از قبل وجود داشته است. با وصف همه این پیچیده‌گی‌ها در مورد خاستگاه طالبان اما هیچ تردیدی وجود نداشت که این گروه از حمایت بلامنازع پاکستان و عربستان برخوردار بود. ویلیام میلی در کتاب خود «افغانستان، طالبان و سیاست‌های جهانی» نقل می‌کند که «طالبان هم‌زمان با اولین حضورشان در افغانستان، مورد حمایت شدیدی بی‌نظیر بوتو قرار گرفتند». عربستان سعودی نیز مانند‌ی که مجاهدین را در دوره جهاد حمایت می‌کرد، طالبان را نیز مورد شفقت و حمایت مالی خود قرار می‌داد. آن‌هایی که به یاد دارند، می‌دانند که پیش‌روی طالبان برق‌آسا بود و شهرهای بزرگ افغانستان را بدون مقاومت یکی پس از دیگری اشغال می‌کردند و شریعت اسلامی خود را عملی می‌ساختند.

طالبان در اولین ساعات ورود به مزار شریف، با بی‌رحمی ۹ دیپلمات جمهوری اسلامی ایران را به قتل رساندند که باعث خشم دولت و مردم ایران شد. این کار طالبان در واقع هشدار جدی به جمهوری اسلامی به شمار رفت و منافع این کشور را تهدید کرد. تسلط طالبان نه‌تنها به‌مثابه یک تهدید سیاسی و امنیتی برای جمهوری اسلامی که بیش از هر چیزی تهدیدی در برابر مذهب تشیع پنداشته می‌شد. من به خاطر دارم که زمزمه‌هایی در بین طالبان شنیده می‌شد که می‌گفتند ما تا نیشابور و مشهد خواهیم رفت و آن‌جا را از وجود ارضیان پاک خواهیم ساخت. حتا پس از این‌که طالبان هرات را اشغال کردند، به هراتیان می‌گفتند: تاسو تولو شیعه‌گان دی. یعنی همه شما هراتیان، شیعه هستید. این ادبیات نشان می‌داد که طالبان از طرفی هیچ شناختی از جامعه هرات نداشتند و از جانبی چون هرات با ایران مرز و سرحد مشترک دارد، فکر می‌کردند که همه هراتیان شیعه هستند. نکته قابل ملاحظه این است که این گروه دشمنی علنی خود را با مذهب شیعه نشان می‌داد. طالبان در مناطق شیعه‌نشین هرات دست به آزاروادیت مردم می‌زدند و به نحوی از آن‌ها اخاذی می‌کردند. در ادبیات سیاسی و رسانه‌ای جمهوری اسلامی و حتا در در بین مردم ایران، از طالبان به گروهی سلفی و وهابی تعبیر می‌شد که آزاروادیت و قتل شیعیان را روا می‌دانند. جمهوری اسلامی ایران وقتی متوجه رفتارهای غیرعادی طالبان شد، فرض را بر این گذاشت که ممکن است با حمله این گروه روبه‌رو شود. به همین دلیل دست به ماشه شد و رزمایش نظامی را برای چند روز در مرزهای شرقی



خود راه‌اندازی کرد که مایه نگرانی مردم افغانستان نیز شده بود. همه‌جا از حمله قریب‌الوقوع جمهوری اسلامی ایران به افغانستان گفته می‌شد و طالبان نیز به بسیج نیرو در مرزهای غربی افغانستان با ایران می‌پرداختند. در کنار این، کشت و قاجاق مواد مخدر تهدید دیگری برای ثبات منطقه و جمهوری اسلامی پنداشته می‌شد که مقام‌های این کشور را سخت نگران ساخته بود.

مساله دیگری که برای جمهوری اسلامی قابل تحمل نبود و بر شدت نگرانی مقام‌های این کشور می‌افزود، حمایت‌های بی‌دریغ عربستان از طالبان بود. عربستان سعودی نخستین کشور اسلامی بود که در آن زمان طالبان را به رسمیت شناخت و سفارت افغانستان را در اختیار آن‌ها قرار داد - حالا ایران نخستین کشور اسلامی است که سفارت افغانستان را به طالبان واگذار کرده است - و مناسبات سیاسی خود را با امارت اسلامی برقرار ساخت. کمک‌های هنگفت سعودی‌ها برای ساخت‌وساز مدارس دینی و فرهنگی در کابل و هرات و برخی دیگر از ولایت‌ها، از نظر مذهبی و ایدیولوژیکی برای جمهوری اسلامی سنگین تمام می‌شد. اختلافات اسلام شیعی ولایت فقیه و اسلام وهابی آل سعود که پس از تشکیل دولت خمینی در سال ۱۳۵۷ شدت گرفته بود، دیده می‌شد که خود را در اتخاذ مواضع سخت و سخت جمهوری اسلامی در برابر طالبان نشان می‌دهد. همه این عوامل باعث و بانی این بود تا جمهوری اسلامی ایران برنامه براندازی طالبان را روی دست گیرد. جمهوری اسلامی که پس از فروپاشی نظام دوقطبی دنبال منافع خود در خاورمیانه به راه افتاده بود، نیاز داشت تا مرزهای شرقی خود را از هر طریق ممکن آرام بسازد. همین ملاحظات امنیتی بود که از حمله به افغانستان دست کشید و به تحکیم مرزهای خود با افغانستان پرداخت و پادگان‌های مرزی خود را از هرات تا نیمروز تقویت کرد و سرویس‌های اطلاعاتی خود را در جهت براندازی طالبان فعال ساخت. سپاه پاسداران که تجربه کافی در گروهک‌سازی و پیش‌برد جنگ‌های نیابتی در خاورمیانه دارد، با تمام قوت به حمایت نظامی، مالی و تدارکاتی مجاهدین در خاک افغانستان پرداخت و از طرفی برای رهبران جهادی امتیاز فعالیت‌های سیاسی در برابر طالبان را در خاک خود قایل شد. حمایت جمهوری اسلامی از جبهه مقاومت به رهبری احمدشاه مسعود دلیل محکمی در جهت براندازی طالبان بود.

جمهوری اسلامی ایران بیش از هر کشوری به دنبال این بود تا جهان را قانع بسازد که طالبان در هم‌دستی با شبکه القاعده، افغانستان را به پناهگاه امن تروریستان تبدیل کرده‌اند که منافع کشورهای منطقه و جهان را تهدید می‌کند. در پیوند به همین تلاش‌ها، رایان کراکر، سفیر سابق آمریکا در کابل و بغداد می‌نویسد: «اوایل اکتبر، تقریباً یک ماه پس از حملات ۱۱ سپتامبر، در یکی از سالون‌های کنفرانس سازمان ملل نشستیم بودیم و در مورد ساختار پارلمان افغانستان بعد از طالبان صحبت می‌کردیم. یکی از دیپلمات‌های ایرانی به تنگ آمد و بعد ایستاد و تقریباً با فریاد گفت که ما نباید در مورد «چه باید باشد» گفت‌وگو کنیم. تا زمانی که رژیم کنونی در افغانستان بر سر کار است، هیچ‌یک از این گفته‌ها سودی ندارد. سپس او اتاق را ترک کرد.» او ادامه می‌دهد که «علاقه ایرانی‌ها نسبت به اعزام نیروهای آمریکا به افغانستان، برایم جالب بود.» او با کنایه به مقام‌های جمهوری اسلامی می‌گوید «شما که آمریکا را شیطان بزرگ می‌گویید، حالا چطور از آن‌ها می‌خواهید که به افغانستان حمله کنند. همین بود که بمباران افغانستان توسط آمریکا چند روز بعد آغاز شد.» کراکر در جایی دیگر می‌گوید: «در جریان یکی از جلسات، یک نفر از شرکت‌کننده‌گان اروپایی، با انتقاد از ایران، این کشور را به ارایه کمک‌های نظامی به طالبان متهم کرد. یک دیپلمات بازنشسته ایرانی با عصبانیت پاسخ داد که ایران چگونه می‌تواند به دشمنان سوگندخورده خود کمک کند؟» همچنان کراکر می‌نویسد: «در سال ۲۰۰۱، جمهوری اسلامی ایران با حمایت نظامی و اطلاعاتی در میدان جنگ و هم با حمایت سیاسی در مذاکرات سازمان ملل متحد در کنفرانس بن، به ایالات متحده کمک کرد که طالبان را سرنگون کند و حکومت جدیدی در افغانستان تشکیل دهد.»

سیاست خارجی ایران...



ایران سالها مخالف برقراری ارتباط سیاسی با طالبان بود و هرگونه تمایز و تفکیک آن‌ها با شبکه‌های تروریستی دیگر مانند القاعده و داعش را رد می‌کرد. مجموعه این گزاره‌ها نشان می‌دهد که ایران، طالبان را از زمان ظهور تا سقوط دشمن جمهوری اسلامی می‌خواند. از همین جهت این کشور پیوسته تلاش ورزیده بود تا از شر آن‌ها خلاص شود. در واقع رویکرد جمهوری اسلامی ایران در مورد طالبان از سال ۱۳۷۳ تا ۱۳۸۰ بیشتر امنیت‌محور بوده و حضور این گروه را در همسایه‌گی خود در تقابل با امنیت ملی خود می‌دانسته است. به همین اقدام به براندازی طالبان می‌کند.

رویکرد جمهوری اسلامی ایران در مورد طالبان پس از ۲۰۱۲

پس از آن‌که جمهوری اسلامی ایران از حضور نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا در افغانستان احساس ناامنی کرد، در سیاست خود علیه طالبان تجدید نظر کرد و به هدف این‌که بتواند امریکایی‌ها را در افغانستان زمین‌گیر کند، با طالبان وارد یک‌سری معامله‌های پنهانی شد و به‌صورت غیرعلنی دست به حمایت مالی و تسلیحاتی آن‌ها در جنگ علیه نیروهای امریکایی و ائتلاف جهانی زد. روابط سیاسی جمهوری اسلامی با طالبان رفته‌رفته وارد فصل تازه‌ای می‌شد و مقام‌های سپاه که ابتکار این روابط را در دست گرفته بودند، زمینه ملاقات طالبان با مقام‌های ارشد جمهوری اسلامی در تهران را فراهم می‌ساختند. از مهمانی ملا اختر منصور در تهران که در راه بازگشت به پاکستان، توسط امریکایی‌ها کشته شد تا میزبانی هیات بلندپایه طالبان به ریاست ملا برادر در مهمان‌خانه‌های سپاه در تهران، به عمیق شدن رابطه جمهوری اسلامی با طالبان می‌افزود.

اهداف جمهوری اسلامی ایران از این ملاقات‌ها را چند چیز تشکیل می‌داد: تشکیل اتحاد با طالبان در برابر دشمن مشترک (امریکا) و تلاش برای خروج کامل نیروهای امریکایی و ائتلاف بین‌المللی از افغانستان، مبارزه در برابر داعش و حفظ امنیت مرزهای جمهوری اسلامی ایران. همه این ملاقات‌ها به‌صورت سری زیر نظر سپاه انجام می‌شد که وزارت خارجه ایران هیچ نقشی در تنظیم آن‌ها نداشت. امریکایی‌ها که از همه این ملاقات‌ها باخبر بودند، بارها از توزیع سلاح و مهمات و بمب‌های دست‌ساز که توسط سپاه به طالبان برای حمله به نیروهای امریکایی و ناتو داده می‌شد، شکایت داشتند. نیکلاس برنز، معاون وزیر خارجه ایالات متحده، در گفت‌وگو با شبکه سی‌ان‌ان اتهاماتی را علیه ایران مطرح کرد و گفت که اسناد و مدارک کافی وجود دارد که سپاه پاسداران برای طالبان سلاح می‌رساند. این در حالی بود که مقام‌های افغانستان بارها گفته بودند که جمهوری اسلامی ایران برخی از نیروهای طالبان را در شهر کرمانشاه آموزش نظامی می‌دهد. یکی از طالبان در شورای کویته

باشند. در پیوست به همین موضع، آقای قمی چندی پیش در یکی از سخنرانی‌های خود در مورد جبهه مقاومت ملی اظهار داشت که «امریکا مجموعه‌ای را تحت عنوان «جبهه مقاومت» سازمان‌دهی می‌کند که دروغ است. آن‌ها به اسم مقاومت به دنبال ایجاد آشوب‌های داخلی هستند.»

به عبارتی، مقام‌های سپاه موجی از تلاش‌ها به منظور قیاحت‌زدایی از طالبان و سفید کردن آن‌ها را به راه انداخته‌اند. طالبانی که روزی دیپلمات‌های جمهوری اسلامی را در مزار شریف سلاخی کرده بودند، حالا شریک سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران شده‌اند. در همان روزهای پس از سقوط کابل، روزنامه کیهان که نزدیک به اصول‌گرایان است، در یکی از یادداشت‌های خود در ۴ سرطان ۱۴۰۰ زیر عنوان «در افغانستان چه خیر است؟» نوشته بود «طالبانی که می‌شناختیم و مثلاً سر می‌برید، تفاوت‌هایی کرده است. پیش‌روی‌های اخیر این گروه در افغانستان خبری از جنایات هولناک، شبیه جنایات داعش در عراق نیست و طالبان حتماً اعلام کرده که با شیعیان این کشور هم کاری ندارد.» جالب اما این‌جا است که رهبر جمهوری اسلامی نیز در یکی از خطابه‌هایش در مراسم فراغت دانشجویان ارتش، بیان کرد که امریکا بعد از سال‌ها جنایت در افغانستان، این کشور را به طالبان تسلیم داده است.

همچنان احمد ناری، از نماینده‌گان مجلس شورای اسلامی، طالبان را «جنبش اصیل در منطقه خواند و یادآور شد که همکاری با آنان می‌تواند به گسترش ثبات در جامعه افغانستان و جلوگیری از نفوذ گروه‌هایی همچون داعش منجر شود.» به ادامه روند قیاحت‌زدایی از طالبان، عطاالله مهاجرانی، یکی از چهره‌های برجسته اصلاح‌طلب که در دولت محمد خاتمی سمت وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و معاون ریاست جمهوری را داشت، در همان روزهای پس از فرار اشرف غنی، در رشته‌توییتی طالبان را گروهی باارادیت و موقعیت‌شناس توصیف کرد که بیست سال در برابر اشغال امریکا مقاومت کرده و هزاران «شهید» داده و سرانجام هم امریکا را در افغانستان شکست داده است. با این حساب می‌توان این‌گونه دریافت که جمهوری اسلامی یکی از عوامل مهم در سقوط نظام جمهوری به دست طالبان بوده است و حالا که این گروه توانسته به قدرت برسد، به خاطر جلب افکار عمومی در ایران و جلوگیری از هرگونه تنش در مرزهای شرقی خود با افغانستان، سعی دارد طالبان را بیشتر مورد حمایت و شفقت خود قرار بدهد و زمینه‌های مشروعیت آن‌ها را در داخل و خارج فراهم سازد.

نتیجه‌گیری

با توجه به سیاست ناآرام و دلواپسانه جمهوری اسلامی ایران در دوونیم دهه اخیر در افغانستان، دیده می‌شود که دستگاه دیپلماسی این کشور توان برخورد با قضایای کلان سیاسی در افغانستان را ندارد. نقش و نفوذ سپاه در تصمیم‌گیری‌های سیاسی، سبب شده است تا جمهوری اسلامی به جای یافتن شرکای جدید، به دنبال دشمنان قدیمی خود (طالبان) برود که زمانی برای سرنگونی‌اش دست به دامن امریکا شده بود. از نظر نویسنده مقاله، سیاست‌های میدانی جمهوری اسلامی بیش از آن‌که بتواند به تامین امنیت و ثبات افغانستان و منطقه کمک کند، بیشتر بر طبل جنگ‌های نیابتی در داخل افغانستان می‌کوبد که تاوان آن را مردم دو کشور افغانستان و ایران خواهند داد. جمهوری اسلامی ایران در حالی ابتکار سیاست خارجی را به دست سپاه پاسداران سپرده است که این گروه از سوی کشورهای غربی و برخی کشورهای منطقه محور شرارت خوانده می‌شود، تا جایی که تعدادی از اعضای بلندپایه آن زیر تحریم‌های سنگین غرب قرار دارند.

باری، اگر جمهوری اسلامی فکر می‌کند که طالبان دیگر هیچ رابطه‌ای با ایالات متحده ندارند و برای همیشه با این کشور دشمنی می‌کنند، دچار خطای استراتژیک شده است. اگر به این نتیجه رسیده است که در ماهیت فکری طالبان تغییر آمده و این گروه

ادعا کرده بود که آموزش ما در ایران به دو منظور بود؛ یکی به خاطر حمله بر نیروهای امریکایی و ناتو و دیگری برای حمله بر گروه داعش در افغانستان. همچنان مقام‌های امنیتی افغانستان مدعی شده بودند که اشخاصی به نام علی کمیلی و حسام رضوی، از اعضای سپاه پاسداران هستند که به جنگ‌جویان طالبان در کابل آموزش رسانه‌ای می‌دهند. سپس نهاد‌های امنیتی افغانستان اعلام کردند که رسانه «وچ» متعلق به سپاه، در منطقه پل سرخ کابل به جلب و جذب برخی افراد مشغول است که روی طرح «پروپاگندای ضد امریکایی» با آن‌ها همکاری کنند. گزاره‌های دیگری نیز وجود دارند که نشان می‌دهد سپاه پاسداران نیروهای طالبان را در شهر مرزی تایباد آموزش نظامی داده و برای برخی از آن‌ها امکانات رفاهی را در ایران فراهم ساخته بود.

نقش سپاه در سال‌های پسین در عراق، سوریه و افغانستان مبتنی بر راهبردهای میدانی به پیش می‌رود که از نقش وزارت خارجه جمهوری اسلامی کاسته است. سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران بیشتر بر مبنای ارزش‌های انقلاب اسلامی استوار است که عدول از آن‌ها برای دستگاه دیپلماسی ناممکن است. نقش سپاه قدس در خاورمیانه و افغانستان که بیشتر بر محور حفاظت از مرزهای عقیدتی می‌چرخد، سبب شده تا فرماندهان آن‌ها نفوذ خود را در این کشورها افزایش دهند. انتصاب امیر عبداللہیان به‌عنوان یک سپاهی کارکشته در سمت وزیر خارجه، به همین منظور بود تا سپاه بتواند دیپلماسی را میدانی کند.

دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران در برابر طالبان پس از ۲۰۲۱

جمهوری اسلامی ایران براساس دیپلماسی میدانی خود پس از سقوط کابل در ۲۰۲۱، با طالبان وارد گفت‌وگوهای تازه‌ای شده است که نشان از برسیمت‌شناختن آن‌ها از سوی جمهوری اسلامی ایران دارد.

رفت‌وآمدهای اخیر مقام‌های وزارت خارجه طالبان به ایران در ماه‌های پسین، نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران در هم‌سویی و همکاری بیشتری با این گروه قرار گرفته است. پس از این‌که آقای کاظمی قمی سفیر جمهوری اسلامی برای رژیم طالبان تعیین گردید، بر نزدیکی همکاری میان جمهوری اسلامی و طالبان افزود و باعث شد تا انگیزه برسیمت‌شناختن طالبان از طرف جمهوری اسلامی بیشتر شود. آقای قمی که از اعضای ارشد سپاه و نماینده ویژه رییس جمهور ایران در امور افغانستان است، پس از حاکمیت جدید طالبان بیش از هر کسی در حمایت از این گروه دست به تبلیغات زده است و مقام‌های ارشد نظام جمهوری اسلامی، از جمله رییس جمهور و رهبر مذهبی را متقاعد ساخته که طالبان نه‌تنها هیچ تهدیدی برای جمهوری اسلامی نیستند، که می‌توانند فرصتی برای همکاری‌های مشترک در درازمدت

دیگر هیچ پیوندی با شبکه‌های تروریستی ندارد، سخت در اشتباه است. این در حالی است که طالبان ماه‌ها است که از کمک‌های نقدی ایالات متحده برخوردار می‌شوند و رهبران آن‌ها باربار از امریکا و جهان تقاضای کمک‌های نقدی هنگفت کرده‌اند.

رهبران طالبان در تازه‌ترین دیدارشان با تام وست، نماینده ویژه ایالات متحده امریکا در امارات متحده عربی و قطر، از امریکا خواسته‌اند تا نماینده‌گی سیاسی‌اش را در افغانستان بازگشایی کند. همچنان دیدارهای مقام‌های بلندپایه امنیتی ایالات متحده با طالبان در کابل مساله دیگری است که نشان می‌دهد طالبان از تیررس این کشور خارج نیستند. حتی اگر جمهوری اسلامی ایران به این باور باشد که بخشی از طالبان را می‌تواند در آینده با خود داشته باشد، نیز یک اشتباه تاریخی است. هیچ گروهی از کلیتی به نام طالبان نمی‌خواهد پیوند خود را با پاکستان و قطر قطع و به دامن جمهوری اسلامی سقوط کند. از طرفی ایران توان پرداخت هزینه‌های مالی سنگین به طالبان را ندارد. ادعای برخی مقام‌های امنیتی جمهوری اسلامی که همکاری نزدیک با طالبان می‌تواند کمربندهای امنیتی این کشور را در خاک افغانستان محکم کند، بیشتر به یک رویای عاشقانه می‌ماند. چندی پیش رییس افسی‌آی در فاکس نیوز طالبان را متهم به همکاری با شبکه القاعده و داعش کرد و به‌صراحت گفت که هزاران داعشی در داخل افغانستان فعالیت دارند. مشابه به این اطلاعات را کابلوف، نماینده روسیه در امور افغانستان، بیان کرده است.

مساله دیگر که می‌توان به وعده‌های طالبان مبنی بر مبارزه با داعش تردید داشت، این است که این گروه چند ماه قبل به‌طور علنی از واحد استشهادهی و انتحاری خود در وزارت دفاع رونمایی کرد؛ گروهی که طالبان آن‌ها را فرشته‌های نجات و پیروزی در برابر نیروهای امنیتی افغانستان و ایالات متحده می‌دانند. نباید فراموش شود که در بیست سال پسین طالبان در همکاری با شبکه‌های تروریستی دیگر، دست به حملات انتحاری و انفجاری در افغانستان می‌زدند و در پاره‌ای از مواقع زمینه‌ساز حملات وحشت‌ناک تروریستی داعش بودند. حالا چطور می‌شود که از نظر فکری به یک‌باره‌گی پیوند خود را با این شبکه‌های مخوف قطع کرده باشند؟ ساده‌انگانه خواهد بود اگر فکر کنیم که طالبان از واحدهای استشهادهی و انتحاری خود در جهت صلح و ثبات افغانستان و منطقه کار می‌گیرند.

همچنان اگر جمهوری اسلامی ایران یا هر کشور دیگری به این فکر باشد که طالبان توانایی و ظرفیت تامین امنیت افغانستان و مرزهای امنیتی کشورهای من از این کشورها می‌پرسم که آیا ممکن است با تروریسم به جنگ تروریسم رفت؟ با وجود این‌همه تناقض آشکار در گفتار و کردار طالبان، جای تعجب است که مقام‌های جمهوری اسلامی، طالبان را به گروه اصیل برای مردم خود معرفی می‌کنند و تلاش می‌ورزند تا به هر طریقی از آن‌ها قیاحت‌زدایی کنند. این‌همه هزینه از نظر من، چیزی جز اغفال مردم ایران نیست که جمهوری اسلامی دارد می‌پردازد. به باور من رویکرد تازه جمهوری اسلامی در برابر طالبان بیش از آن‌که به مردم افغانستان آسیب بزند، مردم ایران را در گمراهی قرار می‌دهد. اگر قرار می‌بود داعش به جمهوری اسلامی ایران حمله می‌کرد، این اتفاق باید سال‌ها پیش که جمهوری اسلامی در عراق و سوریه با آن‌ها می‌جنگید رخ می‌داد. جمهوری اسلامی پس از سنتش‌های میدانی در قسمت طالبان به این نتیجه رسید تا سفارت افغانستان در تهران را به طالبان واگذار کند. در پیوند به همین مساله باید بگویم که همکاری وزارت خارجه ایران با طالبان به خاطر واگذاری سفارت به این گروه، چیزی جز اشغال امتداد سرزمینی نیست. مردم افغانستان در شرایطی که همه چیز خود را از دست داده‌اند، آگاه‌تر از گذشته تحولات سیاسی کشور خود را دنبال می‌کنند و تا رسیدن به آزادی به مبارزات خود ادامه خواهند داد.

8صبح روایت دیروز، آینه امروز، نوید فردا

Publisher: Sanjar Sohail, Sanjar.sohail@8am.media
Editor-in-Chief: Mohammad Moheq, Mohammad.moheq@8am.media

Facebook.com/8am.media
Youtube.com/Hashtesubhdaily
Twitter.com/@Hashtesubhdaily
instagram.com/8am.media_official
www.8am.media

صاحب امتیاز: سنجر سهیل Sanjar.sohail@8am.media
مدیرمسئول: محمد محق Mohammad.moheq@8am.media
سر دبیر: حبیب بهش Hasib.bahesh@8am.media
مسئول افغانستان: شاحین رسولی
تحلیل گران: یونس نگاه، ابومسلم خراسانی و علی سجاد مولایی
دبیر گزارش‌ها: فهیم امین

دبیر بخش ویدیو: نصیر کاوشگر
خبرنگار ارشد: امین کاوه
ویراستاران: محمدعلی نظری، مقیم مهران
صفحه آرایی: رضا مرادی
پذیرش مقالات: Info@8am.media
پذیرش اعلان: Shaparsepehr@gmail.com ۰۷۸۸۷۸۸۷۹۹ - ۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰
نشانی پستی: صندوق پستی ۰۳۸-۰۲۵، پسته‌خانه مرکزی، کابل، افغانستان
۸صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده دیدگاه ۸صبح است. سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.

سازمان ملل متحد از برگزاری پنجمین نشست کشورهای کمتر توسعه یافته در دوحه قطر خبر داده است. سازمان ملل متحد اعلام کرده که این نشست قرار است از تاریخ ۵ تا ۹ مارچ در دوحه قطر برگزار شود. براساس اطلاعات نشر شده، کشورهای کمتر توسعه یافته در تلاش دستیابی به توسعه پایدار تا سال ۲۰۳۰ هستند. نشست سازمان ملل به بررسی وضعیت ۴۶ کشور کمتر توسعه یافته جهان می پردازد تا اطمینان حاصل شود که این کشورها از توسعه اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی بهره مند می شوند. در همین حال، شهباز شریف، نخست وزیر پاکستان، در توییتی از سفرش به دوحه قطر برای اشتراک در این کنفرانس خبر داده است.

ورزش



غیبت دوامدار در جلسات دادگاه؛

پولیس پاکستان برای بازداشت عمران خان وارد عمل شد



دان، از رسانه های پاکستان، روز یکشنبه، ۵ مارچ، گزارش داده است که در پی اقدام عملی پولیس پاکستان برای بازداشت عمران خان، فواد چودری، رهبر حزب تحریک انصاف، از تمام کارگران حزبی خواسته تا خود را به محل اقامت خان برسانند.

او دولت فعلی پاکستان را وارداتی و دشمن این کشور خوانده و از حزب حاکم خواسته است که عقلانی عمل کرده و بحران را تشدید نکند. ویدیوهای نشر شده نشان می دهد که پولیس اسلام آباد و پنجاب کارگران حزب تحریک انصاف را در اطراف محل اقامت عمران خان بازداشت می کنند. گفتنی است که ظفر اقبال، قاضی جلسات تکمیلی دادگاه اسلام آباد، ماه گذشته به دلیل غیبت دوامدار عمران خان در جلسات دادگاه، حکم بازداشت او را صادر کرد.

در پی غیبت دوامدار عمران خان، نخست وزیر پیشین پاکستان، در جلسات دادگاه، پولیس در اسلام آباد برای بازداشت او دست به کار شده است. دان، از رسانه های پاکستان، روز یکشنبه، ۵ مارچ، گزارش داده است که در پی اقدام عملی پولیس پاکستان برای بازداشت عمران خان، فواد چودری، رهبر حزب تحریک انصاف، از تمام کارگران حزبی خواسته تا خود را به محل اقامت خان برسانند. چودری گفته است: «هر گونه تلاش برای دستگیری عمران خان، وضعیت را بدتر خواهد کرد.»

پنج تن در نتیجه درگیری جدید آذربایجان و ارمنستان بر سر قره باغ کشته شدند

بربنیاد گزارش ها، نیروهای آذربایجانی و ارمنی های قومی در منطقه مورد مناقشه قره باغ آذربایجان بر هم دیگر تیراندازی کردند که حداقل پنج تن کشته شدند.

خبرگزاری رویترز روز یکشنبه، ۵ مارچ، به نقل از وزارت دفاع آذربایجان گزارش داده است که دو نظامی در تبادل آتش پس از آن کشته شدند که نیروهای آذربایجان یک کاروان مظنون به حمل سلاح از شهر اصلی منطقه به مناطق دورافتاده را متوقف کردند.

گفته می شود که کاروان از یک جاده غیرمجاز استفاده کرده است. وزارت خارجه ارمنستان نیز از کشته شدن سه مقام وزارت داخله قره باغ خبر داده است. گفتنی است که نیروهای دو کشور پیش از این نیز همواره باهم درگیر شده اند.

قره باغ از دیری به این سو در سطح بین المللی به عنوان بخشی از آذربایجان به رسمیت شناخته شده است، اگرچه جمعیت آن عمدتاً از قوم ارمنی تشکیل شده است.



امپایه رکورد گول زنی تاریخ پاری سن ژرمن را شکست

کیلیان امپایه، مهاجم تیم فوتبال پاری سن ژرمن، پس از به ثمر رساندن یک گول در بازی پاری سن ژرمن مقابل تیم فوتبال نانت، به بهترین گولزن تاریخ باشگاه پاری سن ژرمن تبدیل شده است.

این بازیکن ۲۴ ساله فرانسوی یکشنبه شب، ۵ مارچ، دوصدویکمین گول خود برای پاری سن ژرمن را در برابر تیم نانت به ثمر رساند.

امپایه پس از انتخاب شدنش به این عنوان گفت: «این جا بودن خیلی خاص است. حضور در این جا به عنوان بهترین گولزن باشگاه باعث افتخار است.»

پیش از این ادینسون کاوانی، مهاجم سابق این تیم، با ۲۰۰ گول، برترین گولزن این تیم فرانسوی بود.

کیلیان امپایه در این فصل تا کنون در لیگ فوتبال فرانسه، در ۲۲ بازی ۱۸ گول به ثمر رسانده است و در صدر برترین گولزن های این لیگ قرار دارد.

او در جام جهانی ۲۰۲۲ قطر نیز بهترین گولزن انتخاب شد.



تیم فوتبال زنان آرسنال قهرمان جام اتحادیه انگلستان شد

تیم فوتبال زنان آرسنال با شکست ۳ بر ۱ تیم فوتبال زنان چلسی، قهرمان جام اتحادیه انگلستان شد.

دیدار نهایی میان این دو تیم یکشنبه شب، ۵ مارچ، در ورزشگاه سلهرست پارک برگزار شد.

در نیمه نخست این دیدار نخست چلسی یک بر صفر پیش افتاد، اما در ادامه این نیمه سه گول دریافت کرد تا ۳ بر ۱ شود.

در نیمه دوم هیچ گولی میان دو تیم ردوبدل نشد و بازی با همان نتیجه ۳ بر ۱ پایان یافت.

در این دیدار برای آرسنال کیم لیتل، استینا بلکستنیوس و نیام چارلز گول زنی کردند و تک گول چلسی را نیز سام کر به ثمر رساند.

با این پیروزی، تیم فوتبال زنان آرسنال برای ششمین بار قهرمان این جام شد و چلسی برای دومین سال متوالی، بازی نهایی را واگذار کرد.



«خطر بزرگی وجود دارد. ممکن در اسرائیل دیکتاتوری برقرار شود.»

نخست وزیر اسرائیل و متحدان راست گرای او با وجود اعتراضات گسترده، انتظار دارند که تغییرات به وجود آمده در سیستم قضایی این کشور به تصویب قانون گذاران برسد.

ادامه اعتراض های گسترده در اسرائیل

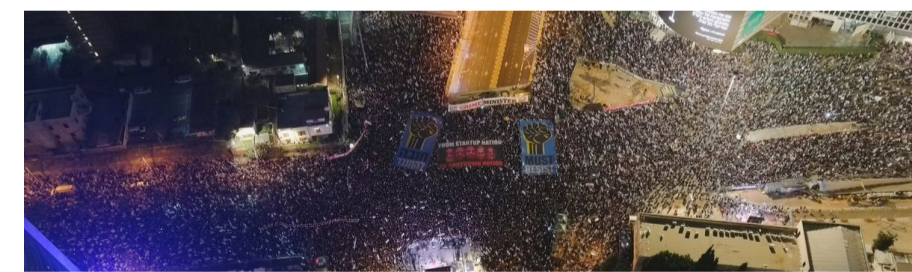
معترضان گفته اند که تغییرات اعمال شده آزادی های مدنی را به خطر انداخته و به اقتصاد آسیب می رساند. اوفیر کوبیتسکی، آموزگار ۶۸ ساله اسرائیلی و از معترضان به تغییر سیستم قضایی این کشور گفته است:

به دنبال بازنگری در سیستم قضایی اسرائیل، شهروندان این کشور برای نهمین روز پهم به جاده ها ریختند و در برابر تغییرات اعمال شده اعتراض کردند.

رویترز گزارش داده که معترضان شنبه شب، ۴ مارچ، نیز در تل آویو و دیگر نقاط اسرائیل به اعتراض های شان ادامه دادند.

تصاویر نشر شده از سوی پولیس نشان می دهد که معترضان در حال شکستن موانع، شعله ور کردن آتش و مسدود کردن جاده ها هستند.

این اعتراضات پس از بازگشت بنیامین نتانیاهو به کرسی نخست وزیر اسرائیل و تغییرات اعمال شده در سیستم قضایی این کشور که اختیارات دادگاه عالی را کاهش می دهد، آغاز شد.



غرق شدن کشتی حامل پناهجویان در ایتالیا؛ ملونی از اقدامات کشورش دفاع کرد

دفاع کرده که پس از غرق شدن دهها پناهجو، انتقادهای شدیدی بر پیمانندوسی وارد شده است. ملونی پس از رسیدن به کرسی نخست وزیر ایتالیا اقدامات سخت گیرانه ای را در برابر پناهجویان اتخاذ کرده است.

گفتنی است که یک قایق چوبی حامل بیش از ۲۰۰ پناهجو عمدتاً از ایران، پاکستان و افغانستان یک هفته قبل در سواحل کالابریا در جنوب ایتالیا غرق شد. بربنیاد آخرین گزارش ها، نزدیک به ۴۰ پناهجوی افغان در این رویداد جان داده اند.

بیش از ۲۰۰ پناهجو در آب های ایتالیا، جورجیا ملونی، نخست وزیر این کشور، از اقدامات دولتش دفاع کرده است.

بلومبرگ روز شنبه، ۴ مارچ، گزارش داده که نخست وزیر ایتالیا در جریان سفرش به ابوظبی در صحبت با خبرنگاران گفته که قصد ندارد وزیر داخله این کشور را در واکنش به رویداد غرق شدن کشتی حامل پناهجویان برکنار کند.

ملونی در حالی از ماتئو پیمانندوسی، وزیر داخله ایتالیا، و اقدامات کشورش برای مدیریت رویداد مرگبار اخیر

نزدیک به ده روز پس از غرق شدن کشتی حامل

